

سر مقاله:

دولت آلمان غربی
دم زدن از "دمکراسی"
و تقویت هارترین دیکتاتورها

براساس خبری از خبرگزاریها (این خبر در همین شماره نشریه پویش چاپ رسیده است)، قرار است که در اواخر ماه ژانویه سال ۱۹۹۰ امپراتور اقتصادی دولت آلمان بنام Dieter Von Warzen با مشارکت و همراهی یک هیات صنعتی برای ارزیابی شرایط و دورنماهای معاملاتی جدید به ایران رهسپار شوند. در این حال قرار است کمیسیون اقتصادی مشترک ایران و آلمان که از زمان سقوط حکومت شاه در سال ۱۹۷۹ بحالست تعطیل درآمده بود، دوباره فعال شود. همچنین قرار است سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و نماینده دولت آلمان درباره گسترش روابط اقتصادی-سیاسی ایران و آلمان به تبادل نظر بپردازند.

۲ ←

اخباری از رویدادهای اخیر رومانی و سفر چائو شسکو به ایران
۱۴ ←

اقدامات جدید علیه زنان (ترجمه ای از روزنامه TAZ)
۲۴ ←

گزارشی در باره جنگ داخلی در السالوادور (قسمت دوم)
۹ ←

فهرستی از ترورهای جمهوری اسلامی در چند سال اخیر
۱۲ ←

بررسی یکی از ادعاهای نشریه کیهان - لندن
۱۹ ←

در باره رویدادهای چند هفته اخیر در آلمان شرقی (قسمت دوم)
۶ ←

فهرست

۱۳ ←

در این شماره

خبرهای مربوط به اقدامات فاشیستها

اخبار ایران

اخبار جهان

نامه های رسیده

امپریالیسم آمریکا به بهانه فاسد بودن فردی که خود بر راس قدرت پاناما نشانده بود کشوری را بلعید!

گزارش زیر، سعی دارد خواننده گرامی را در جریان پیشینه ای که باعث حمله نظامی آشکارا امپریالیسم آمریکا به کشور پاناما گردید، قرار دهد. لازم توضیح است که اطلاعات مندرج در این نوشته (بسیار تغییرات و توضیحاتی) از مقاله ای که در شماره ۲۲ نشریه آدینبه چاپ رسیده، استخراج شده است.

۴ ←

چه مسئله ای باعث شد که امپریالیسم آمریکا، به کشور پاناما آشکارا تهاجم و زکند و آن را به اشغال نظامی خود درآورد. آیا آن گونه که دولت آمریکا و دستگاہهای تبلیغاتی بورژوازی ادعا میکنند، این تهاجم و نظامی برای تثبیت رژیم بنحیثی "فاجعتهای مواد مخدر" و یا "یک جنایتکار" بود؟ و یا منافع ویژه و مادی برای امپریالیسم آمریکا در این میان وجود داشته است؟

دولت آلمان غربی که با نام تاشسدام در دستگه‌های تبلیغی خود از "دمکراسی" دم میزند و آنجا که منافعی را ایجاد می‌کند به دیکتاتوری نوریه گاوچاوشسکوتف و لعنت می‌فرستد، خود در تقویت و توانمند نمودن رژیمی که نمونمکی از هارترین دیکتاتورهای جهان است، رژیمی که به سرکوب و نفی ابتدائی ترین حقوق انسانی شهرت یافته و در پامال نمودن حداقل ترین حقوق دمکراتیک مردم ایران ایجاد فضای رعب و وحشت و حاکمیت زندان، شکجه، اعدام، و ۰۰۰ مقام اول را در میان دیکتاتورهای جهان بدست آورده است، نقش اساسی و مهمی را بازی می‌کند.

ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی در واقع بخاطر امکانات و منابع طبیعی، بازار وسیع و نیروی کار ارزانش و هم چنین بخاطر موقعیتش در منطقه خلیج فارس کشتن فوق العاده ای در پورژوی جهانی و از این رودرور - زوای آلمان ایجاد می‌کند، تا بالا پشانی همه جنایات و توحش جمهوری اسلامی و کمک به تقویت آن، منافع خسود را تضمین و جای پای خود را در منطقه محکم نمایند. بخصوص اکنون که سوسمشرکت و سرمایه گذاری در بازسازی اقتصادی ایران که گفته می‌شود به بیش از ۵۰ میلیارد دلار هزینه نیازمند است، دولت‌های مختلف سرمایه داری و از جمله دولت آلمان بعنوان مهمترین شریک تجاری رژیم ایران را، به تک و تاب و اداشته است. بالا - خص اینک بزرگی نیز قولهای سخاوتمندان ای از طرف دیکتاتوری حاکم بر ایران به دولت بن داده شده است (۱) دولت آلمان بخصوص با ختم جنگ، تبلیغات گسترده‌ای را به راه انداخت تا رژیم جمهوری اسلامی را "عاطف" و "سرمه" براه و پایبند به قراردادها و عرف بین الطلی جلوه دهد. و سسسی داشت تا با این غار و غورهای تبلیغاتی رابطه خود با رژیمی که ابتدائی ترین ارزشهای انسانی را زیر پا میگذارد را مقابل افکار عمومی مردم کشورش توجیه کند. اما با فتوای قتل سلمان رشدی، اهالی آلمان همانگونه که اهالی سایر کشورهای غربی را در برابر توحش عربان رژیم جمهوری اسلامی که اینک

آشکارا به سراغ خود آنان هم آمده بود قرارداد ۰ این تفروانزجاره اندازم - ای شدت گرفت که گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی دولت آلمان - به موازات سایر دول سرمایه داری غرب - را در مقابل محضورات دیپلماتیک قرار داد. دولت آلمان - هم چون سایر دول غربی - که بیش از اینهم بر همه ظرفیت های ارتجاعی و ضد انسانی جمهوری اسلامی واقف بود، کشتار دهها هزار زندانی سیاسی را در ایران بخاطر عقایدشان میدانست، تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را که چسدر داخل کشور و چدرورای مرزهای ایران علیه مردم می‌گامیرفت، می‌شناخت، و بسا وجود این، نهنهانست به این همه جنایت و وحشیگری بی توجه بود، بل با کمک و تقویت رژیم دیکتاتور ایران عملاً حرسندی خود را از ظرفیت های ضد دمکراتیک، ضد انقلابی و سرکوبگرانه آن نشان میداد، این بار در مقابل افکار عمومی اتباع کشور خود و اعتراضات و تفرگسترده آنان بر علیه جمهوری اسلامی قرار گرفت.

خصوصاً اینکه این بار مردم آلمان - هم چون سایر مردم جهان - نه از نوشته‌ها و گفته‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی بلکه با دیدن چهره کریه و بدون نقاب این رژیم و از زبان و قلم هر بروسردمداران وی به عمق جنایات و قدر قدرت ناشی آن پی می‌برند و این امری بود که به واسطه آن هم رژیم جمهوری اسلامی را در محضه جدی قرار میداد و هم دست دول و انحصارات امپریالیستی و در رأس آنها دولت آلمان (بعنوان مهمترین شریک تجاری جمهوری اسلامی) را برای گسترش آشکار و غنی روابط سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی می بست. با این حال دستهای فراوانی به کار شدند تا این تفرع عمومی را بتدریج کم رنگ و بی اثر سازند، انرژی فراوانی صرف شد تا انزجار جمهوری اسلامی را صرفاً به مخالفت با فتوای خمینی محدود کند و حداقل جناح‌ها و اشخاصی از دولتمردان جمهوری اسلامی را در این میان تیره نماید. سفرها و رفت و آمدهای دولتها و هیات‌های از ایتالیا، فرانسه، سوئد (۲) و

(در ماه زانویه) آلمان به ایران، تماس - های پنهان و آشکارا دولت آمریکا بسا د ولتمردان ایران و نظر مساعد بسوش رئیس جمهور آمریکا نسبت به سردمداران جمهوری اسلامی و همچنین خط مشی رسمی دولت خارجه آمریکا مبنی بر منزوی کردن جناح باصطلاح "تدرو" در رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از برنامه‌های رفسنجانی و بموازات آن تصمصم دول سرمایه داری غربی، مبنی بر اینکه اصل از محکوم ساختن جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد خود - داری کنند و لحن ملامت پیش نویس قطع نامه مربوط به حقوق بشر در ایران که توسط کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روز ۱۹ دسامبر ۱۹۸۹ به اتفاق آراء تصویب گردید و در آن هیچ گونه اتهامی متوجه دولت ایران نگردید (۳) همگی در این راستا قابل توضیح و تفسیر هستند.

موقعیت حساس اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه و تقویت آن جناح‌ها و عناصری که مستقیماً طرفدار دول غرب و آماده برای معامله با آنان هستند و به ویژه کمک به تحولات آرام درون حکومت جمهوری اسلامی در خدمت هر چه بیشتر منافع استراتژیک سرمایه جهانی، آن نقطه اتمال و منفعت مشترکی است که دول سرمایه داری غرب را علیرغم تفرگسترده اهالی این کشورها از رژیم جمهوری اسلامی و با وجود تنگناهای دیپلماتیک به این رژیم می‌رساند و در کنار آن قرار می‌دهد.

در این میان دولت بورژوازی آلمان - غربی، بعنوان عده ترین شریک تجاری ایران جایگاه خاصی دارد. چنانکه گنشر، وزیر "لیبرال" امور خارجه دولت آلمان، اولین وزیر خارجه اروپای غربی بود که به ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی سفر کرد و با دیکتاتورهای حاکم بر ایران به عقد قرارداد پرداخت و بساز این گنشر بود که در سال گذشته در اوج اعدامهای گسترده و وحشیانه به دیدار جلادان و آدمکشان اسلامی رفت و دست آنان را برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی و تضمین اعتبارات مالی به دولت ایران، فشرده. دولت آلمان همواره با دقت و وسواس

"خواهران زینب" باز ۳ آگانی!



Iranische Frauen-Kampfgruppen mit deutschem G-3: „Optimale Trefferergebnisse“

بینظیری مواظب است که هیچگونه اخبار مبارزات و اعتراضات کارکنسری و تودمهای و یا اخبار و گزارشات متعدد در مورد جنبش انقلابی خلق کرد را بر ایران رامنعکس نسازد، ولی در عوض تبلیغات و قبحانه مثنی جیرمخوار و حزب اللهی دست چین شده رایجی نظرو برخورد مردم ایران نسبت به جمهوری اسلامی جامیزند و تلاش دارد تا جمهوری اسلامی را رژیم مطلوب و مورد حمایت مردم ایران جلوه دهد. این دولت سعی دارد، چنین وانمود کند که گویا با کت به رژیم جمهوری اسلامی در واقع عملاً به مردم ایران یاری میرساند و میخواهد با این عمل بایک تیرد و نشان بزند. از یک طرف با اشاعه این تبلیغات ظاهر دلسوزانه‌ای برای مردم ایران بخود میگردد و نقش کت خود در حفظ تحکیم پایه‌های جمهوری اسلامی و همچنین

کسب بازار ایران تحت عنوان خیرخو - اهانه کت به مردم ایران میپوشاند. و از طرف دیگر به کت این تبلیغات مغرضانه افکار عمومی مردم کشور خود را می فریبد و این تو همداد من میزند که بایکوت جمهوری اسلامی وضعیت مردم ایران را بدتر میکند، تا بدین وسیله آنان را تحقیر و بیطرف سازد. این وظیفه ما و همه نیروهای آگاه است تا این توهمات را از ذهن مردم پاک نمائیم و یار دیکر بر این حقیقت تاکید کنیم که مادام که رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است هرگونه مناسبات سیاسی و اقتصادی با این رژیم نمتنها هیچ بهبودی در موقعیت کارگران و محرومین جامعه ایران بدست نمیدهد بلکه برعکس با تقویت رژیم جمهوری اسلامی و تحکیم و باثبات تر نمودن آن، شدت بی حقوقی اجتماعی آنان نیز افزون تر خواهد شد. این توهمات را میتوان و باید از ذهن کارگران و مردم شریف پاک کرد و شرایطی را بوجود آورد که دولت آلمان از بیم خشم اتباع کشور خود و از بیمی آبرو شدن در سطح جهان، مناسبات رسمی و غنی خویش با رژیم جمهوری اسلامی را قطع کند و یا لاق این مناسبات را محدود و دتر نماید. این وظیفه ما و همه نیروهای متعهد و آگاه است که تا از طریق تلس با افکار عمومی

و سازمانها و نهاد های مرفی و کارگری و با سازمانها و شخصیت های مبارز و مدافع حقوق انسانی، با نوشتن اعتراضیه، با بسیج نیرو و برگزاری آکسیونهای اعتراضی در مبارزه علیه گسترش روابط اقتصادی - سیاسی دولت آلمان با دولت ایران شرکت کنیم. ۸۹/۱۲/۳۰

یادداشتها:

(۱) "دولت مردان ایران در ماه های اخیر بمن اطلاع دادماند که آلمان میتواند روی الوت داشتن در به عهده گرفتن بخشی از پروژه های برنامه پنج ساله (دولت رفسنجانی) که قرار است از ما مارس ۱۹۹۰ (فروردین ۱۳۶۹) در ایران آغاز شود، حساب کند"

(۲) "در آذر ماه سال ۳۰ شرکت علی جمعی و تجاری سوئد، نمایندگان خود را همراه هیاتی مرکب از معاون اقتصادی وزارت امور خارجه سوئد به تهران اعزام داشتند. نقل ان پیام کارگر - شماره ۵۶"

(۳) در مورد لحن ملایم پیش نویس قطعنامه مربوط به حقوق بشر لندگوی تبلیغاتی رژیم با جار و جنجال اعلام داشت: "کیت سوم مجمع عمومی ساز -

مان ملل متحد روزگد شکمپیش نویسی قطعنامه مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران را با اتفاق آراء تصویب کرد. این کیت که مسائل فرهنگی - اجتماعی از جمله موضوع حقوق بشر را دنبال میکند، هیچگونه اتهامی متوجه ایران نکرد. ناظران سیاسی، موضعگیری این کیت را کهنه‌ترین بار است با درن مسائل حقوقی جمهوری اسلامی همراه است و از اتهامات واهی و برداشت های غلط (کذا) از قوانین اسلامی دور است. یک موفقیت قابل توجه در صحنه حقوقی برای جمهوری اسلامی تلقی میکند. در همین رابطه نیویورک تایمز اظهار نظر کرد: "اقدام جمهوری اسلامی مبنی بر موافقت با اعزام هیاتی از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران، از سوی دیپلماتهای غربی به نشانه دیگری از تلاش حکومت اسلامی برای در پیش گرفتن یک سیاست خارجی مسالمت جوینانه تعبیر شده است."

★★★★★★

★★★★★★

امپریالیسم آمریکا به بهانه فاسد بودن فردی که خود بر راس قدرت پاناما نشاندہ بود کشوری را بلعید !

در میانه قاره آمریکا باریک‌های است که نازکترین بخشی است که دریای کارائیب را از اقیانوس آرام جدا میکند. این بخش، پاکده شدن کانال پاناما بهین نقطه پراهمیت تبدیل شد، چرا که آمد و شد تجاری بین کشورهای شمالی و جنوبی قاره آمریکا و قاره اروپا با آمریکا زیر تاثیر این راه میان بره بستری تازه افتاد. به زودی سربازان آمریکایی مکزیک و کور - ستاریک را در ورزند و علا اختیار کانال را در دست گرفتند، تاریخ سلطه آمریکا - لیس آمریکا بر پاناما، همچون بقیه نقاط آمریکای لاتین و مرکزی است جز اینکه به جهت حساسیت بیشتر جغرافیایی این کشور، امپریالیسم آمریکا با داشتن پا - یگانه‌های نظامی بیشتر در آن حضور فعالتری دارد.

در میانه دهه هفتاد و با قدرت گیری دکراتهاد در سال ۱۹۷۶، کسه میکوشیدند افتتاح حاصل از شکست آمریکا در ویتنام و ماجرای واترگیت را با شعار دفاع از حقوق بشرو گسترش لیبرالیسم در حوزه نفوذ آمریکا ببوشانند، (۱) گشایشی پیش آمد که ما بین دولت پاناما (در آن زمان ژنرال عمر تورخوس بر پاناما حکومت میراند) و حکومت آمریکا پس از چند ماه گفتگو رفت و آمد قرارداد ای امضا شود مبنی بر اینکه تا سال ۱۹۹۰ آمریکا بیان از کشوری پاناما خارج شوند و کانال را به خود پاناما - ثیهابسپارند. نظامیان و جناحهای هارترا امپریالیسم آمریکا از همان ابتدا با این موافقتنامه سرناسازگاری داشتند حوادث بعدی، پس از روی کار آمدن جمهور ریخواهان بصر کردگی هارترین جناح آن در آمریکا (۲) آرایش صحنه رانست به سال ۱۹۷۷ (زمان امضای موافقتنامه) کاملاً دگرگون کرد و به شکل مطلوب سرمایه داری آمریکا درآمد. تورخوس در اثر سقوط هلیکوپترش کشته شد بعد از وی یک سرگرد پانامایی که ارتباط قدیمی با "سیا" داشت و سالها عامل این دستگاه بود قدرت را در پاناما بدست گرفت.

این فرد مانوئل آنتونیو نوریگا نسام

داشت، فردی که دشمنی آشکارا و پرزسد نیروهای مترقی و چپ زیانزد عام وخاص بود. او از جمله نظامیانی شمرده می - شود که امپریالیسم آمریکا، بعد از جنگ جهانی دوم، در سراسر آمریکای مرکزی و لاتین تربیت کرد مباد تا سیاستهای امپریالیسم آمریکا در مورد سرکوب جنبشهای انقلابی و نیروهای مترقی، جلو گیری از گسترش جنبشهای تودمائی و تقویت ارتجاع در منطقه، را به پیش ببرند. همین نوریگا بود که سرهنگ نورث و ژنرال سیکورو و ولیم کیسی (مهرمانان داستان پرنجبال ایران گیت) در ارتباط دائمی با او، جریان ارسال اسلحه و تجهیزات برای ضد انقلابیون نیکاراگوئه را تربیت میدادند.

بهر حال هیچ مشکلی بین حکومت آمریکا و نوریگا به چشم نمی خورد تا اینکه در آمریکا، نظامیان و جناح طرفدار آنها فشار خود را برای ندیده گرفتن موافقتنامه ۱۹۷۷ و باقی ماندن آمریکا در پاناما افزایش کردند. اما نوریگا نمیتوانست به طور طبیعی موافقتنامه ای را که مردم به ویژه نسل جوان پاناما به آن دل بسته بودند و آنرا مایه غرور ملی خود می - دانستند لغو کند و خود را آشکار در چشم مردم پاناما بعنوان دشمنی ملی خار کند. چنین امتناعی اما، از دیدگاه امپریالیسم آمریکا ناپسندونی بود و به این ترتیب روابط به تیرگی گرائید و جنگ بین حکومت آمریکا و زائده اش در آمریکای مرکزی در - گرفت.

در این میان دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی و نشریات آمریکایی بعنوان زمینه سازی سیاست سلطه جویی آمریکا به خط شدند و یک صدا با عا وینی تند و اتهاماتی سخت نوریگا، این توجه سیا را مورد بی مهربی و غضب قرار دادند. آنها ناگهان بیاد این افتادند که نوریگا در مدرسه نظامی پرو برای "سیا" کار میکرد و توانسته است اطلاعاتی از وضعیت گروههای چپ و منابع آنها برای تامین سلاح برای این سازمان تهیه کند، اینکه رشکجه، بریدن گوش مخالفان چپ نقش داشته و کشتارهای

جمعی را سازمان میداده است، اینکه سرمایه‌های مردم را چپاول کرده و مجموعه سرمایه‌گذارهایش تا یک میلیارد دلار میرسد، اینکه آپارتمانهای مجللی در پاریس، قصری در جنوب فرانسه و چندین هکتار زمین و دهها مستغلات به قیمت خانه خرابی مردم پاناما برای خود دست و پا کرده و این که او رهبری جریان قاچاق کوکائین به داخل آمریکا را در دست داشته است و ۰۰۰ و یاعا وین دیگری مثل اینکه او "حرامزاده‌های" بوده که در سال ۱۹۳۴ در یکی از نقاط دور افتاده و فقیر نشین پاناما بدنی آمده و مادرش در ۵ سالگی او را به پرورورشگاهی سپرده، اینکه بمسب تجا و زه‌صف به یک فاحشه تحت تعقیب قرار گرفته، اینکه به دختر ۱۳ ساله‌ای تجا و زکرده و خواهر او را به قتل رسانده و اینکه او همجنس‌باز است و ۰۰۰ و ۰۰۰ به او نسبت داده‌اند.

این مقدمه جینی ها و فشارهای تبلیغاتی، زمینه را برای امپریالیسم آمریکا جهت بلوکه کردن دارائیهای پاناما در بانکهای آمریکا، تهدید به دخالت نظامی، تدارک و اجرای چند کودتا و سرانجام حمله نظامی آشکار به پاناما فراهم ساخت. و امپریالیسم آمریکا بدین اعتراض قابل ملاحظه‌ای توانست دقتاد را ستانصال ۱۹۹۰ یعنی زمانی که بیایستی قرارداد ۱۹۷۷ را به مورد اجراء در آید و دولت آمریکا زمام امور باریکه پاناما را به خود اهلانی پاناما واگذار کند، بمسبانه خلع ید کردن جنایتکاری که خود بر سران قدرت نشاندہ بود، کشوری را اشغال نظامی کرد.

۱۹۹۰/۱/۵

یادداشتها:

(۱) در فاصله انتخابات ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ سیستم حکومتی آمریکا در موقعیتی غیر - عادی قرار گرفته بود. در آن زمان امپریالیسم آمریکا در تجا و زات خود طبع خلقهای ویتنام، لائوس و کامبوج با شکستی افتتاح آمیز مواجه شده، و جنایاتش بیش از پیش انشا گردیده بود در این زمان بود که سوازی واترگیت رخ داد که در طی آن برای نخستین بار در



رمزی کلارك (وزیر قضائی سابق آمریکا) بوش را متهم کرد که تعداد قربانیان حمله نظامی آمریکا به یاناما را به عمد کمتر از تعداد واقعی آن اعلام کرده است . او تعداد تلفات را نه ۵۰۰ غیر نظامی و ۳۰۰ سرباز بلکه حداقل ۴۰۰۰ نفر تخمین زد . همچنین بدلیل این حمله حداقل ۵۰۰۰ نفر بی خانمان شد و ۷۵۰۰۰ نفر شغل خود را از دست دادند . تصویر فوق : یاناما یک روز بعد از دستگیری نوریگا

تاریخ آمریکا رئیس جمهور و کلیه دستیارانش در کالج سفید مجرم شناخته شده و مجبوره استعفا گردیدند . در این ماجرا طیر غمگوش سران دولت برای مخفی نگاه داشتن جرمها ، کلیه دستیاران نیکسون البتمغیر از خود وی روانه زندان شدند . جالب اینجاست که در میان دستیاران مجرم نیکسون جان میچل که سالها وزیر دادگستری و مظهر نظم و قانون آمریکا بود ، قرارداد است در آن سالها ، بیش از هر زمان دیگری ، رشوه خوارها و فساد سیاستمداران آمریکا ، که معمولا در خفای مطلق انجام میگیرند ، افشاء گردیده بود . بعنوان مثال ، اسپرو آگینو معاون نیکسون به جرم دریافت رشوه (در زمانیکه فرماندار ایالت مریلند بوده است) از مقام معاونت رئیس جمهور برکنار و به دادگاه حاضر گردید . اقتضاحات سیستمها اینها خاتمه یافت و بسیاری از قانون شکنها و جنایات اف بی آی ، و "سیا" چه در آمریکا و چه در سطح جهانی از برده برون افتاد و بامدارت غیر قابل انکاری ثابت شد که "رهبر جهان آزاد" مسئول جنایات

بیشمار و کشتار میلیونی و نهانتر ، عامل مستقیم روی کار آوردن رژیمهای دیکتاتوری فاشیستی و توطئه برای قتل رهبرانی چون لومومبا و کاسترو و ... بوده است . بدلائل فوق ، نه تنها امپریالیسم آمریکا در سطح جهان انشاء ، بلکه در داخل آمریکا نیز شدت بی اعتبار شدت بود . پوزروانی حاکم در آمریکا برای ادامه سلطه خود ، ناچار بود سیاستهای خود را در زورق "حقوق بشر" بیچاند و به خود ظاهر انسان دوستانه ای بگیرد . (۲) رونالد ریگان یکی از برجسته ترین سخنگوی جناح راست افراطی حزب جمهوری خواه میباشد .

← ۱۵

اخباری از رویدادهای اخیر

رومانی و سفر چائو شسکو به ایران

باید اشخاص غیر مسئول با تمسک به جنبه های منفی قضایا مسئولین محترم جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرند ؟ بهر حال چائوشسکو در بازگشت از تهران حتی فرصت نکرد می بیاساید و سقوط کرد . اما آنها می که تنها چند روز پیش از سرنگونی او به استقبال و پذیرش ائی از آن دیکتاتور خود گامه شتافتند و با او قراردادهای گوناگون به امضا رساندند ، اکنون در صد پوشاندن این شکست ننگین و فرار از زیر بار این رسوائی هستند .

این رسوائی نیز بعنوان برگ ننگین دیگری بر کارنامه سرپا ننگین این رژیم ضد بشری خواهد ماند . بخصوص اینکه در این میان نزدیکی و همکاری دو رژیم با یکدیگر بویژه در مسائل امنیتی از پرده بیرون افتاده و قراردادهای ۱۰ ساله میان آنها به امضا رسیده است .

در باره رویدادهای چند هفته اخیر در آلمان شرقی (قسمت دوم)

مقدمه:

در قسمت اول این مقاله، نگاه کلی را به رویداد های آلمان شرقی در ماه های اکتبر و نوامبر انداختیم و این رویداد ها را تا تاریخ اول دسامبر دنبال نمودیم. طرح اولیه قسمت دوم مقاله - یعنی قسمت حاضر - چنین بود که ابتدا اشاره کوتاهی به برخی از اتفاقات مهم این کشور در هفته های اخیر بشود و پس از آن اهداف و موضع گیری های دولت آلمان غربی در رابطه با تحولات آلمان شرقی و تلاش های دولت آلمان غربی برای تبدیل آلمان شرقی به ژانده این کشور بررسی گردد.

اما از آنجا که بررسی اهداف و - موضع گیری های آلمان غربی نسبت به تحولات آلمان شرقی احتیاج به یک مقاله مستقل دارد که در آن بتوان حداقل در عمومی ترین سطح، ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و - ایدئولوژیک مسئله را تجزیه و تحلیل نمود، چنین بررسی ای را به فرصت دیگری موکول می کنیم و در این قسمت تنها به ارائه گزارشی درباره رویداد های چند هفته اخیر در آلمان شرقی اکتفا می نمایم.

در ماه دسامبر شاهد تغییر تحولات مهمی چه در حزب حاکم و چه در - جریان های متعلق به اپوزیسیون بودیم. در دوم دسامبر هزاران تن از اعضای "حزب متحد سوسیالیست" (SED) در برلین شرقی دست به تظاهرات زدند و خواستار کار گیری کمیته مرکزی و بازسازی حزب شدند.

اگن کرنس (Egon Krenz) در جمع تظاهر کنندگان حاضر شد و کوشید سخنرانی کند، اما تظاهر کنندگان از وی شدیداً انتقاد کردند، به وی اجازه ندادند که سخنرانی اش را به پایان ببرد و - خواستار کار گیری وی گردیدند. یک روز بعد، در سوم دسامبر،

تحت فشار بدنه SED و مجموع شرایط اجتماعی آلمان شرقی، کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی SED که در اوایل نوامبر انتخاب شده بودند، ناگزیر به کاره گیری گردیدند. اگن کرنس نیز از مقام دبیر کلی حزب کاره گرفت. به علاوه اریش هونگر رهبر سابق حکومت و حزب، Willi Stoph نخست وزیر سابق، Erich Mielke رئیس پلیس امنیتی سابق، Harst Sindermann رئیس سابق مجلس و دو تن از اعضای دفتر سیاسی به نامهای Werner Krollkowski و Günther Kleiber از حزب اخراج شدند.

به دنبال کاره گیری کمیته مرکزی و دفتر سیاسی، یک رهبری موقت مرکب از ۲۵ تن به روی کار آمد که وظیفه تدارک کنگره فوق العاده حزب در اواسط دسامبر را به عهده داشت. این رهبری موقت در اولین گردهم آیی خود - عنوان رئیس خود برگزید. رهبری موقت SED حمایت خویش از دولت مودرون را اعلام کرده و تصریح نمود که وظیفه خود را تدارک چنان کنگره فوق العاده ای می داند که بتواند بازسازی حزب را به انجام رساند. در ۴ دسامبر مجدداً "صدها هزار تن در لایپزیک و چند شهر دیگر از جمله Neubrandenburg، Cottbus کارل مارکس و تظاهرات کردند. به گزارش روزنامه TAZ (چاپ آلمان غربی) اکثریت تظاهر کنندگان در لایپزیک و شهرهای دیگر آلمان شرقی مخالف اتحاد دو آلمان هستند.

در ۶ دسامبر، تنها ۵۰ روز پس از آنکه اگن کرنس به عنوان قدرتمندترین مرد آلمان شرقی به روی کار آمد، تمام مقام های خود را که جارت بودند از ریاست شورای دولت، ریاست حزب و ریاست شورای عالی - قاع، از

دست داد و به یک عضو ساده SED تبدیل شد.

پس از برکناری اگن کرنس، رهبر لیبرال دمکرات ها (LDPD) به نام مانفرد گراخ Manfred-G. به مقام ریاست شورای دولت رسید. بدین ترتیب گراخ اولین رئیس شورای دولت در آلمان شرقی در تاریخ این کشور است که عضو SED نمی باشد. گراخ اعلام نموده است که این پست به طور دائمی باید توسط کسی اشغال شود که از طرف مجلس انتخاب شده باشد. در همین روز همچنین اعلام شد که بر اساس توافق بین دولت های آلمان شرقی و آلمان غربی قرار است که از اول ژانویه ۱۹۹۰، اهالی آلمان غربی بتوانند بدون ویزا و بدون اینکه ناگزیر باشند - مسافرت مبلغی از پول خود را به مارک آلمان شرقی تبدیل نمایند، به آلمان شرقی سفر کنند.

روز ۷ دسامبر در برلین شرقی اولین جلسه میز گرد با شرکت نمایندگان احزاب رسمی و جریانات اپوزیسیون تشکیل شد. در این جلسه نمایندگان اتحادیه آزاد آلمان (F.O.G.B) و جنبش زنان نیز حضور داشتند. در این میز گرد، گروه های اپوزیسیون خواستار پذیرش سازمان های دمکراتیک شدند و اکثریت حاضرین خواهان انحلال پلیس امنیتی گردیدند. در همین جلسه تاریخ انتخابات آزاد، روز ۶ مای ۱۹۹۰ اعلام شد. بنا بر گزارش TAZ بهترین شغل حاضرین، کانالیزه کردن اعتراضات خیابانی در مسیری بود که در آن از اعمال قهر جلوگیری شود و "هرج و مرج" بوجود نیاید.

در تاریخ ۹ دسامبر کنگره فوق العاده SED با حضور ۲۷۰۰ تن از نمایندگان آغاز به کار کرد. در این کنگره Gregor Gysi مکین ۶۱ ساله فردی که به اصلاح طلب شهرت دارد، به ریاست SED

انتخاب ایده ان بنابر گز کنگره فضا انشغال مسائل روشن سرانجام در ۱۷ در این حزب دنیال نیز که (حزب اضافه جدید خود سن ضد ف می کنند در می کنند واحد ک ضد هر با ا مشخ طبقه و بد کاملاً است در می ش در از ت دمک سیر ۱۱ مقی از ا شرقی در در آمری وزیر حما که پ صور

انتخاب شد. در ضمن حاضرین ایده انحلال حزب را رد کردند. بنا بر گزارشات TAZ، بر جلسات کتک فضا شک و تردید و وحشت از انشخاب غالب بود و کتک در مورد مسائل کلیدی و مهم به راه حل‌های روشن و قطعی دست نیافت.

سرانجام کتک فوق‌العاده SED در ۱۷ دسامبر به کار خود پایان داد. در این کتک بحث‌هایی حول نام حزب صورت گرفت و مقرر شد که به - دنبال نام SED، عبارت PDS نیز که مخفف Partei des demokratischen Sozialismus

(حزب سوسیالیسم دمکراتیک) است اضافه شود. به علاوه اساسنامه جدیدی تصویب شد که در آن SED خود را به عنوان حزبی طرفدار "سنت کمونیستی، سوسیال دمکراسی، ضد فاشیستی و سوسیالیستی" معنی می‌کند.

در این تغییرات دو نکته جلب نظر می‌کنند. اولاً "اطلاق یک حزب واحد به سنت‌های کیفیتا متفاوت کمونیستی، سوسیال دمکراسی، ضد فاشیستی و سوسیالیستی" که هر یک پیشینه تاریخی معینی دارند، با انقلابات و جنبش‌های اجتماعی شخصی متمایز می‌شوند، دارای تعلق طبقاتی معینی هستند و چشم اندازها و بدیل‌های گوناگونی ارائه می‌دهند، کاملاً نادرست و بی‌پایه و اساس است. بویژه که چنین تعریفی در اساسنامه یک حزب واحد وارد می‌شود! ثانیاً "تغییرات اخیر در نام و اساسنامه SED، نشان از تمایل این جریان به سوسیال دمکراسی دارد.

سیر رویدادها را بگیری کم: در ۱۱ دسامبر اعلام شد که خارجیهای مقیم برلین غربی نیز خواهند توانست از اول ژانویه بدون ویزا به آلمان شرقی مسافرت کنند.

در ۱۲ دسامبر بیکر وزیر خارجه آمریکا، پس از ملاقات خود با نخست وزیر آلمان شرقی (Modrau) حمایت دولت خود را از کوشش‌هایی که برای اصلاحات در آلمان شرقی صورت گرفته، اعلام نمود.

در ۱۴ دسامبر جریان "دمکراسی اکنون" که یکی از جریانات سرشناسته اپوزیسیون می‌باشد، یک طرح سه مرحله‌ای برای "اتحاد ملی" دو آلمان ارائه داد. با این طرح این جریان می‌کوشد راه حل میانه‌ای مابین دو راه اتحاد فوری دو آلمان و حفظ استقلال آلمان شرقی ارائه دهد.

این جریان همراه با پروسه نزدیکی دو دولت، انجام اصلاحاتی در هر دو آلمان را ضروری می‌داند. در آلمان شرقی این اصلاحات عبارتند از انتخاب - بات آزاد، بوجود آوردن یک سیستم پارلمانی، یک قانون اساسی جدید و تثبیت در وضعیت سیاسی و اکولوژیکی. در آلمان غربی نیز بایستی عدالت اجتماعی بیشتر، از بین بردن بیکاری و تولید و صرف با توجه به حفاظت از محیط زیست متحقق شود. در اینجا دو نکته جالب توجه است. اولاً "جریان" دمکراسی اکنون در پیشنهادات خود در عین حال سرنخی بدست می‌دهد تا با جامعه مطلوب خود وی نیز آشنا شویم. این جامعه ای است مبتنی بر الگوهای اجتماعی - اقتصادی غرب منتهی با این تبصره که معایب و زیاده روی - های "این الگو که جزئی از ماهیت وجودی آن هستند (بیکاری، عدم وجود عدالت اجتماعی و...) بایستی از بین بروند و یا لائق تادمیل یابند. معلوم نیست که چرا سرداران به اصطلاح "دمکرات" و "آزادخواه" آلمان غربی با آن سیستم پارلمانی جذاب شان تاکنون به این فکر نیفتاده - اند که معایب موجود را از بین ببرند، بی‌کاری را از میان بردارند، "عدالت اجتماعی بیشتر" را متحقق کنند و ۱۹۰۰؟!

نکته دوم اینست که تصویر "دمکراسی اکنون" از هر دو جامعه آلمان غربی و آلمان شرقی تصویری تحریف شده و وارونه است. مثلاً این موضوع که در لیست اصلاحاتی که "دمکراسی اکنون" برای آلمان غربی ضروری - می‌داند، "انتخابات آزاد" و خواست تحقق یک دمکراسی واقعی وجود ندارد، نشانگر این است که آنچه در آلمان غربی موجود است "دمکراسی"،

"انتخابات آزاد" و "سیستم پارلمانی" مطلوب این جریان هم هست. به همین ترتیب به زعم این جریان گویا عدالت اجتماعی و تولید و صرف با هدف حفاظت از محیط زیست (و یا فراتر از آن، با هدف رفح نیازهای اجتماعی) اکنون در آلمان شرقی متحقق شده است و احتیاجی به انجام این "اصلاحات" در این کشور نیست!

به ادامه مطلب بازگردیم. در ۱۸ دسامبر اتحادیه کارگری در برلین شرقی در نشریه خود به نام "تریبون" خواسته‌های جدیدی را به صورت چند ترم طرح کرد.

در این ترمها بر ضرورت به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب، حقوق تشکیل آزادانه اتحادیه‌های مستقل و حق اتحاد آزادانه تشکل‌های کارگری در اتحادیه تاکید شده است. صبح روز ۱۹ دسامبر هلموت کهسل، صدر اعظم آلمان غربی، وارد آلمان شرقی شد و مورد استقبال حدود ۵۰۰۰ تن از اهالی Dresdner قرار گرفت. جریان استقبال چند هزار تن در Dresdner

از کهسل با آب و تاب فراوان از - رسانه‌های گروهی آلمان غربی پخش شد اما اتفاق مهمتری که در عصر همین روز در همین رابطه روی داد و منافع این رسانه‌ها اقتضا نمی‌کرد که آن را آنگونه که باید و شاید منعکس نمایند، تظاهرات ۵۰ هزار نفره در برلین شرقی بود که به دعوت چند جریان اپوزیسیون، از جمله Neues Forum

"تریبون آزاد جدید" (در اعتراض به سفر کهسل، مخالفت با اتحاد دو آلمان و فروختن آلمان شرقی به آلمان غربی رخ داد و تظاهرکنندگان خطبه به کهسل از جمله فریاد بر آوردند: "فاشیست بیرون!")

Gysi رئیس جدید SED در جمع تظاهرکنندگان حاضر شد و از مخالفت با ایسده اتحاد دو آلمان صحبت کرد و صحبت‌های وی مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

در تاریخ ۲۱ دسامبر ROLF
Heinrich یکی از مؤسسين
Neues Forum که در حال حاضر نیرومندترین جریان
اپوزیسیون در آلمان شرقی می باشد ،
از خطر انشعاب Neues Forum سخن راند .
مسئله اصلی مورد
اختلاف اینست که رهبران این جریان
مخالف هستند که این جریان به یک
حزب سیاسی تبدیل شود ، در حالیکه
بسیاری از اعضای آن معتقدند

Neues Forum

تنها در صورتی به شکل یک جریان
مؤثر عمل خواهد کرد که بتواند به
یک حزب سیاسی مبدل شود .
تاکنون این جریان به صورت جنبشی
عمل می کرده است که در آن تمام افراد
علاقه مند ، مستقل از جهان بینی
و تعلق حزبی شان می توانستند
فعالیت کنند .

در روزهای آخر سال ۸۹ به گزارش
خبرگزاری آلمان شرقی در شهرهای
برلین شرقی ، Pirna و
Görlitz افراد ناشناسی
بر روی دیوارها شعارهای فاشیستی
نوشته اند . شعارهایی از قبیل
" هیتلر زنده است " ، " یهود بیها
بیرون ! " ، " خارجی بیرون ! "
و ... به همین مناسبت SED
تبلیغاتی را بر علیه خطر فاشیسم به
راه انداخت و به دعوت SED ،
کمیته مبارزان مقاومت ضد فاشیستی و
جمعیت مودت بین آلمان و شوروی
تظاهراتی به منظور مبارزه با گرایش
فاشیستی در برلین شرقی برگزار شد .
مطبوعات آلمان شرقی تعداد تظاهر
کنندگان را ۲۵۰ هزار تن و روزنامه
TAZ بیش از ۱۰۰ هزار تن
گزارش کردند .

برخی جریانات اپوزیسیون معتقد
هستند که SED می خواهد در زیر
لوای مبارزه با فاشیسم ، اهداف خود
را دنبال نماید و از این موضوع به
عنوان یک وسیله تبلیغاتی برای
انتخابات ۶ مای بهره جوید .

در ۳ ژانویه ۸۰ جریان اپوزیسیون
در میزگرد برلین شرقی حکومت را -
شدیدا مورد انتقاد قرار دادند که
با وجود تصمیمات متخذه در میزگرد

۲۷ دسامبر مبنی بر بوجود آوردن
ارگانهایی برای پخش آزادانه اخبار
و حفاظت از قانون اساسی تا قبل از
انتخابات ۶ مای ، کاری در ایسن
جهت صورت نمی دهد . در میزگرد
سوم ژانویه و زیر اقتصاد آلمان شرقی
برای اولین بار ارقام مشخصی از وضعیت
بد مالی کشور ارائه کرد . بنابر گزارش
وی آلمان شرقی در حال حاضر ۲۰/۶
میلیارد دلار به کشورهای غربی بد هکار
است . به این رقم بایستی کسری
موازنه تجارت خارجی سال ۱۹۸۸ که
بالغ بر ۲/۴ میلیارد دلار می شود را
نیز اضافه کرد .

در همین روز سوم ژانویه ، ارگان
دمکرات مسیحی های (CDU)
آلمان شرقی خبر می دهد که بیش از
۶۰۰ تن از سرمایه داران کوچک خود
را در " اتحاد مستقل ها " متشکل
کرده اند . این جریان خواستار
تضمین مابقی اقتصاد بازار ، خصوصی
کردن بیشتر صنایع و تغییر در سیستم
مالیات ها به نحوی است که به
سرمایه داران خصوصی امکان دهد که
سود بیشتری ببرند .
نتیجه گیری کنیم :

به عقیده نویسندگان در هفته های اخیر
گرایشات سیاسی در جامعه آلمان شرقی
شکل مشخص تر و روشن تری یافته اند
و بسیاری از جریانات سیاسی می کوشند
راه حل های روشن تری عرضه کنند .

تغییر و تحولاتی که در SED و
جریانات اپوزیسیون رخ داده ، کوشش
برای ارائه راه حل های سیاسی واجتماعی
مشخص تر از سوی جریانات سیاسی ،
طرح خواسته های معینی از طرف
اتحادیه های کارگری و همچنین از
طرف " اتحاد مستقل ها " که تشکلی از
سرمایه داران خصوصی به حساب می آید ،
برگزاری تظاهرات مختلف با مضمون و
محتوای کیفی متفاوت ، نمونه هایی
هستند که حکایت از روشن تر شدن و
شفافیت یافتن گرایشات سیاسی در
جامعه آلمان شرقی دارند .

اما آنچه در این میان کمبود و نقصان
آن شدت احساس می شود ، حضور
مستقل طبقه کارگر آلمان شرقی بسا
خواسته ها و بدیل سیاسی روشن و

مشخص خود است .
طبقه کارگر آلمان شرقی اگر بخواهد
سیاهی لشکر این یا آن جریان نشود و
نشان خود را بر رویداد های آلمان
شرقی بکشد ، بایستی بتواند ایسن
ضعف خود را جبران نموده و قادر
باشد خواسته ها و مطالبات خویش
را مستقلا طرح کند ، برای تحقق این
مطالبات به نیروی خود تکیه نمود و
آکسیون ها و اعتصابات خویش را بر پا
دارد ، بدیل سیاسی و راه حل های
سیاسی - اجتماعی روشن ارائه دهد و
ظرف تشکیلاتی مناسبی برای سازماندهی
و تشکل مستقل خود ، بوجود آورد .

پ ج

۸ ژانویه ۱۹۹۰

خبرهای مربوط به

اقدامات فاشیستها

ضرب و شتم یک پناهنده

رادولفسل (Radolfzell)

سهشنبه شب ۹/۱/۹۰ نئونازیستها
به هایم پناهندگان در شهر رادولفسل
سل در استان بادن ووتنبرگ یورش
آورده در اتاق یکی از پناهندگان را
به صدا در می آورند . پناهنده مذکور
به تصور اینکه دوستانش هستند ، در
را باز میکند . با باز شدن در نشو.
نازیستها به درون اتاق یورش آورده و
بشدت پناهنده مذکور را مضراب میکنند
بنحوی که وی هم اکنون در بیمارستان
شهر بستری شده است .

در جمعه شب ۱۲/۱/۹۰ مجددا
نئونازیستها به همین هایم حمله برده
آنجا را به آتش میکشند . آتش با اقدام
به موقع ساکنین هایم کنترل و خاموش
میکردد . پیراز اطفاء حریق و گذشت
زمان ، پلیس سر میرسد .

گزاشی در باره جنگ داخلی در السالوادور (قسمت دوم)

محله ثروتندان بنام نوبل (Nobel) برپا ساختند . ارتش برای درهم کوبیدن مواضع چریکها ، برای نخستین بار مبادرت به بمباران محللهای کرد که در آن افراد ممتاز طبقه حاکم و همچنین مشاوران و کارمندان عالیرتبه آمریکایی بهمرهه خانواده هایشان سگی دارند . در عین حال چریکها کافی السابقت اعلام کرده اند که در طی این جنگ آنان به تاسیسات اقتصادی وحتی نظامی آمریکا آسیبی نخواهند رسانند و نیز خطری از جانب آنان متوجه آمریکا شیهای مقیم السالوادور نخواهد شد . البته جنگ محدود و به محلله ثروتندان نمانده و بمسایر محلات زحمتکش نشین شهر نیز گسترش یافته است . رادیو و سراموس خبر از مناطق آزاد شده های میداد که از محلله نوبل در غرب تاحلات کارگری کوسکاتانچینو (Cuscatancino) و سویاپانگو (Soyapango) در شمال غربی امتداد داشت . بخارج از پایتخت نیز شعله های جنگ گسترش یافته است . شاهدان عینی از حرکت قهرآمیز غیر نظامیان سخن میگویند بعنوان مثال میتوان از کشته شدن کارمند یکی از جمعتهای تلویزیونی آمریکایدست یله غیر نظامی نام برد . از طرف دیگر رژیم سرمایه داری حاکم بر السالوادور هر روز عرصه را بفرسازمانهای توده های و اتحادیه ها تنگتر میکند . با زرسی دفاتر و مراکز ایمن سازمانها و دستگیریهای گسترده عناصر مترقی و پیشرو دانه وسیعی بخود گرفته است . دولت دیکتاتوری کریستیانی با این ادعا که تمامی دستگیر شدگان اعضا و همکاران فاراباند و مارتی هستند ، سعی دارد موج دستگیریهای اخیر را توجیه نماید . گستردگی دستگیریهای جدیدی است که هر نیروی معترض به اعمال جنایتکارانه دیکتاتوری حاکم بر السالوادور را دربر میگیرد . بعنوان مثال میتوان از دستگیری ۱۰ نفر از اعضای کیسای پروتستان نام برد . چریکها در ۴ دسامبر به نواحی شمال حومه سن سالوادور در ۶ و ۷ دسامبر

در نشریه پوش شماره ۲ رند جنگ داخلی در السالوادور تا تاریخ ۲۷ نوامبر پیگیری شده است . گزارش حاضر سعی دارد باینال نمودن سیر وقایع از این تاریخ به بعد ، خواننده را در جریان تحولات بعدی السالوادور قرار دهد . لازم به توضیح است که در مجموع اخبار وقایع السالوادور در رسانه های عمومی (حداقل در آلمان غربی) بشدت تحت الشعاع اخبار تحولات کشورهای اروپای شرقی قرار گرفته و به همین دلیل منابع در دسترس نویسنده ناچاراً محدود بوده است . همانگونه که در قسمت اول مقاله شرح آن رفت نیروهای فارابوند و مارتی پس از حدود دو هفته جنگ سخت و پسر دانه در سن سالوادور ، با تلفات نسبتاً ناچیزی شهر را تخلیه و عقب نشینی نمودند . در طی این دو هفته بمباران نواحی مسکونی کارگران و زحمتکشان از طرف نیروی هوایی رژیم سرکوبگر حزب آرناسدها کارگر و زحمتکش به خاک و خون در غلطیدند و هزاران نفر بی خانمان و آواره گشتند . کارگران و مردم محروم السالوادور در عین حمایت از نیروهای فاراباند و مارتی بدعوت این نیرو مبنی بر اعتصاب عمومی و یکسره کردن دیکتاتوری کریستیانی پاسخی قاطع ندادند . پس از تخلیه پایتخت توسط چریکها ، مبارزه مسلحانه و جنگ داخلی در این کشور در اشکالی دیگر تداوم یافته است . شکل جنگ دیگر نه رود رویی مستقیم چریکها و ارتش بلکه بصورت جنگ و گریز ، علیات پارتیزانی ، تصرف کوتاه مدت مراکز مهم و نقاط حساس توسط چریکها و عقب نشینی با حداقل تلفات ممکن میباشد . روز ۲۹ نوامبر هنوز یک هفته از تخلیه پایتخت بوسیله چریکها نگذشته بود که آنها کمربند دفاعی ارتش بدور شهر را درهم شکسته ، شهر سن سالوادور را مجدداً ببدل به میدان نبرد کردند . این بار چریکها باریکادهای خود را در

مجدد نواحی غربی و شمال غربی این شهر را مورد حمله های غافلگیر کننده خود قرار داده و بمنیروهای ارتش تلفات سنگینی وارد ساختند . آنها در عین پیشبرد شیوه تعرضی خود در جنگ مجدداً برنامه های خطاب به رئیس دولت نیوزلند ، پیشنهاد آتش بس دو جانبه تحت نظارت مجامع بین المللی را تکرار نمودند . ولی این پیشنهاد نه تنها کافی السابق از طرف کریستیانی و حزب آرنابی پاسخ مانده ، بلکه ارتش بر شدت کنترل و جورب و وحشت در پایتخت نیز افزوده است . در این رابطه یکی از اعضای سازمان حقوق بشران داشته که خدشه دار شدن حقوق انسان و شتجه به هنگام دستگیری تاحدمرگ چندان گسترده و متداول شده است که به امری روزمره و عادی تبدیل گشته است .

کفرانس روسای جمهوری کشورهای آمریکای مرکزی نیروهای فارابوند و مارتی بمسوزات مبارزه مسلحانه خود دیپلماسی فعالی را در عرصه بین المللی به پیش میبردند . آنها با فرستادن نمایندگان خود به کشورهای منطقه و استند حمایت افکار عمومی مترقی بین المللی را بدست آوردند و رژیم کریستیانی را هر چه بیشتر منزوی سازند . رویداد مهم دیگری که میتواند از لحاظ دیپلماتیک تاثیر سازی در سرنوشت جنگ داخلی در السالوادور داشته باشد کفرانس روسای جمهور کشورهای آمریکای مرکزی در تاریخ ۱۲ دسامبر بود . نیروهای فاراباند و مارتی بر روی نتایج این کفرانس ، بخصوص بدلیل شرکت دانیل اورتگار رئیس جمهور نیکاراگوئه در آن ، حساب میکردند . آنها انتظار داشتند که اولاً : مسئله ایمال شدن گسترده حقوق بشر در السالوادور در کار مسئله جنگ داخلی این کشور مطرح شود و ثانیاً : توسط کفرانس ، مسئله آتش بس دو جانبه تحت نظارت یک هیات بین المللی مورد تایید و تاکید قرار گیرد . چنین انتظاری توسط نیروهای فاراباند و مارتی بی پایه بود ، چرا که در انتظار عمومی چنین شایع بود و در رسانه های جهان تبلیغ میشد که کفرانس اخیر ضمن رسیدگی به مناقشات منطقه آمریکای مرکزی ، وظیفه حل بحران السالوادور را بر عهده خواهد داشت .

نواد و رانیز بعهده دارد .
 بهر حال ، اگر در قطعنامه پایانی کنفرانس
 مواضع بالا اتخاذ میشد ، باعث فشار
 بین المللی هر چه بیشتر بر روی دولت
 السالوادور و روی اعتباری هر چه بیشتر
 آن میشد . و این خود پیروزیهای -
 سیاسی و دیپلماتیک جبهه راکالتر و
 عرصه را برای رسیدن جبهه بس -
 خواسته هایش هموارتر میکرد .
 ۳ روز قبل از آغاز این کنفرانس (۹ دسل
 میر) چریکها به حملات خود شدت
 بخشیدند . حمله به واحد تانک لشکر
 شماره ۱ ، پرتاب چندین خمپاره بر روی
 مقریکی از جنرال های ارتش ، سرنگونی
 یک هلیکوپتر در شمال پایتخت و تبدیل
 نمودن مجدد غرب سان سالوادور به
 صحنه نبردهای گسترده از این جملاند .
 علاوه بر این چریکها توانستند جدا ده
 اصلی ارتباطی میان پایتخت و دو مین
 شهر بزرگ السالوادور ری نام سانتا آنا
 (Santa Ana) را قطع کنند . این
 همان جاده های بود کمنیروهای ککسی
 و تقویت کننده ارتش در هفته های
 آغازین جنگ توانستند با عبور از آن
 قوای ضعیف و تار و مار شده ارتش را به
 لحاظ نفقات و تسلیحات ترمیم نمایند .
 علاوه بر این چریکها ، پل مهم و
 استراتژیکی که در این جاده واقع شده
 بود و نفقات ارتش برای رسیدن به
 پایتخت ناچار به عبور از روی پل فوق
 الذکر بودند ، را منفجر کردند و با انفجار
 تاسیسات برق ، برق اکثر نواحی کشور
 را قطع نمودند .
 چریکها سعی داشتند با این تعرضات
 گسترده بر روند و نتایج کنفرانس تاثیر
 ببخشند ، اما متأسفانه به این کار توفیق
 نیافتند . قطعنامه این کنفرانس با به
 رسمیت شناختن رژیم کریستیانی بعنوان
 دولت قانونی السالوادور و راز نیروهای
 فاراباند و مارتی خواست اسلحه را کنار
 گذاشته و به جنگ داخلی فیصله دهند !
 این بدان معناست که آنها به رژیم حاکم
 و خواسته های او گردن نهند .
 به لحاظ دیپلماتیک این قطعنامه شکست
 بزرگی برای جبهه فاراباند و مارتسی
 محسوب میشود و بخش وسیعی از کار
 تبلیغاتی و فعالیتهای دیپلماتیک
 نیروهای جبهه را خنثی نموده است .

در واقع مفادی (در مورد السالوادور)
 در این کنفرانس تصویب شد که -
 کریستیانی تلاش در پیشبرد آن داشت .
 ضربه سنگین تر برای نیروهای فاراباندو
 مارتی در این جاست که دانیل اورتگانیز
 از اضا کنندگان این قطعنامه بود . دانیل
 اورتگا که تا کنون در صاحبهای تلویزیون -
 نی داخلی خود و در موضع گیریهایش
 از خواسته چریکها یعنی بر آتش بس -
 دو جانبه تحت نظارت یک هیات
 بین المللی حمایت میکرد ، اینبار به امید
 بدست آوردن یک امتیاز سیاسی در -
 جهت حل معضلات نیکاراگوئه که همانا
 خلع سلاح فوری کتراه و قطع فوری
 کمک آمریکا به آنان میباشد ، جنبشی
 السالوادور و نیروهای فاراباندو -
 مارتی را به دولت کریستیانی فروخت .
 این حقیقت تلخ از طرف دو تن از اعضای
 برجسته جبهه در صاحبهای که روز ۱۵
 دسامبر روزنامه (TAZ) آلمان
 غربی داشتند ، بیان شد .
 موضع سازشکارانه و بیغایت فرصت طلبانه
 دانیل اورتگا حتی با موج مخالفتها در
 میان نیروهای چپ نیکاراگوئه مواجه
 شد . چنانکه در روزنامه چپ این کشور
 بعنوان اعتراض از چاپ بیانیه پایانی
 کنفرانس امتناع کردند . در عوض روزنامه
 دست راستی نیکاراگوئه بنام لاپرنسا
 (Laprensa) این بیانیه را با آب و تاب
 تمام منتشر نمود . چرا که (در مورد
 السالوادور) اورتگا مفادی را اضا
 کرد که جناح های دست راستی و
 نمایندگان سیاسی مستقیم سرمایه داری
 در این کشور خواستار پیشبرد آنها
 بودند اما آیا اورتگا با غرضی که به جنبش
 السالوادور وارد نمود توانست برای
 نیکاراگوئه امتیازی مادی و عینی
 در جهت خلع سلاح کتراهها بدست
 آورد ؟ پاسخ منفی است ! آمریکا
 اعلام نموده است تا برگزاری انتخابات
 (که روز ۲۵ فوریه صورت خواهد
 گرفت) کمکهای خود را (که مبلغ ۴ میلیون
 دلار است) به کتراهها قطع نخواهد کرد .
 پس از اعلام بیانیه پایانی کنفرانس
 که به سهم خود رسماً موجبات اعساده
 حیثیت رژیم کریستیانی را فراهم آورد .
 بود . این رژیم زمینهای بسیاری
 تبلیغات و فعالیتهای دیپلماتیک خود

به جنگ آورده و هیاتی راروانه اروپا
 نمود که هدف آن تلاش برای تسدوم
 کمکهای اقتصادی به حکومت کریستیانی
 (و احیاناً کسب کمکهای بیشتر) از طرف
 کشورهای آلمان غربی ، فرانسه و نیز
 بازار مشترک اروپا بود . نتیجه این سفر
 هنوز آشکار نشده است ولی با توجه به
 نتایج قطعنامه و به احتمال زیاد می توان
 حدس زد که اکثر دول سرمایه داری
 اروپای غربی کمکهای مالی خود را به
 دولت کریستیانی تداوم خواهند
 بخشید .

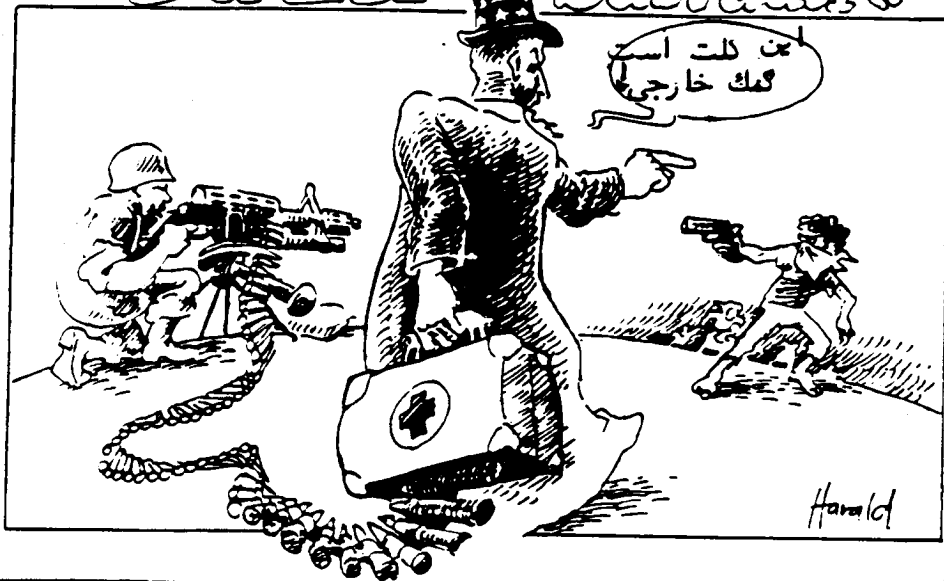
کمکهای بازار مشترک به این کشور
 شامل تامین هزینه های بیمارستان ، کمک
 به رشد صنایع دستی این کشور و سالیانه
 ۶۰۰/۰۰۰ مارک تحت عنوان " کمکهای
 انسانی " می باشد . هم اکنون " سوسیا -
 لیستیا " و " سیزها " تقاضای الغای این
 کمکها را از پارلمان اروپا نموده اند . ولی
 این تقاضا از طرف اکثریت احزاب راست
 و سوسیال دمکرات این
 پارلمان رد شد .

در ادامه خبرهای السالوادور

متأسفانه در گرما گرم جنگهای
 دسامبر یکی از مشهورترین فرماندهان
 فاراباند مارتی جان خود را از دست
 داد و وی دیامس رودریگوئز نام داشت
 و دو مین شخصیت در F.P.L. که بزرگ تر
 بین نیرو تشکیل دهند فاراباند و مار -
 تی محسوب میشود ، بود . وی یکی
 از موسسین F.P.L. بود که سالها در امر
 کادرسازی و پرورش نیروهای مبارزاتی
 و نیز در جهت هدایت ارتقا حطسوط
 استراتژیک و نظامی جبهه تلاش نموده
 بود . دیامس تنها فرمانده نظامی
 مشهور و شناخته شده ای است که در طی
 جنگهای اخیر بمشهادت رسیده است .
 از ۱۵ و ۱۶ دسامبر بعد فعالیتهای
 چریکی در شهرها و بخصوص در پایتخت
 کاهش پیدا کرده است . کبه احتمال قوی
 نزدیکی ایام کریسمس در این امر تاثیر
 داشته است .

برای نخستین بار پس از اعلام وضعیت
 فوق العاده که توسط شخص کریستیانی
 از روز ۱۲ انوامیر اعلام شد ، با کاهش
 شدت درگیریها ، در روز ۱۸ دسامبر

»Du El Salvador«



Internationalismus

در حاشیه السالوادور - کت مالی برای
 السالوادور
 با آگهی کت مالی که در روزنامه (TAZ) جهت جمع آوری کت مالی برای جیبه فارابوند و مارتی تحت نام "اسلحه برای السالوادور" بچاپ رسیده بود چریکها توانستند تاکنون با کسب مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ (صد هزار) دلار از این شمار حساب وضعیت و توانایی مالی خود را بهبود بخشند. نشریه پویش نیز برای علاقمندان کت مالی به جیبه فارابوند و مارتی مشخصات شماره حساب بانکی آنها را در زیر چاپ می‌رساند

ریم کریستیانی بعنوان دولت قانونی السالوادور و ریشخ عظیمی از فعالیتها و زحمات جیبه را خشی نمود و دوباره برای دولت کریستیانی مجال مانورهای دیپلماتیک فراهم آورد. با این همه، هنوز جنگ داخلی با فراز و نشیبهای خود در السالوادور تداوم دارد. و مهمترین کجرفههایی از فعالیت مستقل کارگی نیز در آن پدیدار شده است. تحولات آتی در السالوادور بیش از هر چیز در گرو پراتیک هدفمند طبقه کارگر و محرومین السالوادور قرار دارد. امپریالیزم و بورژوازی میکوشند تا بر وضعیت کنونی در جامعه بهر قیمت غلبه کنند و بحران را تخفیف دهند. برای طبقه کارگر و توده زحمتکشان در السالوادور، ثبات و تحکیم رژیم دیکتاتوری کنونی معنایی جز تداوم افسار گسیخته استثمار و استبداد و ارتجاع بورژوازی در بر نخواهد داشت. طبقه کارگر السالوادور در عین اینکه میبایستی در جهت ضعف و عقب نشینی بورژوازی حاکم بر السالوادور تلاش کند، وظیفه اساسی خود را باید گشودن د و رنای حکومت خاص خود در برابر جامعه قرار دهد.

اتحادیه ها فعال شده و پایه صحنه مبارزه گذاردند. در این روز صدها کارگر انستیتیوی شکر ملی "جلوی درب" دفتر اداری این کارخانه اجتماع نموده و به اخراج ۴۰۰ تن از همکاران خود اعتراض نمودند و خواهان بازگشت آنان به سر کار شدند. جنگ داخلی در السالوادور از یک طرف نیرو و توانائی های چریکها را نشان داد و از طرف دیگر ضعف دولت دست نشانده آمریکا را بر ملا ساخت. این جنگ نمایش قدرت چریکها بود و نشان داد که دولت بورژوازی کریستیانی (حزب آرناسا) که قبلا خود را قدر قدرت می‌نمایاند، تنها با کمکهای مستقیم خارجی و بخصوص کمک های امپریالیزم آمریکا و به امداد نیروهای هوایی و کشتار مردم غیر نظامی میتواند از سقوط خود جلوگیری کند. همچنین نیروهای فارابوند و مارتی در مراحل اول توانستند بایک دیپلماتسی فعال فشار داخلی و بین المللی متمرکزی را علیه دولت کریستیانی به پیش ببرند و حمایت افکار بین المللی و حتی اپوزیسیون های دلی مختلف از خود را بدست آورند. علاوه بر این عدم حمایت رسمی و آشکار هیچ دولتی از حکومت السالوادور و ریزش امپریالیزم آمریکا، نشانگر موفقیت دیگری برای چریکها بود. اما با قطعنامه ای که در کفرانس رؤسای جمهوری کشورهای آمریکای مرکزی به تصویب رسید همبایه رسیت شناختن

SPENDENAKTION
 „Waffen für El Salvador“
 Postgiroamt Berlin-West
 Sonderkonto
 288 59-107
 Bankleitzahl 10010010
 Freunde der alternativen
 Tageszeitung e.V.
 1000 Berlin 65



فهرستی از ترورهای جمهوری اسلامی در چند سال اخیر

همانطور که اطلاع دارید، سرمقاله "پویش" شماره ۲ به ارائه تاریخچه - کوتاهی از علیات ترورستی جمهوری اسلامی از سال ۵۷ به بعد در داخل و خارج کشور اختصاص یافته بود. در آنجا نوشتیم که رژیم جمهوری اسلامی از همان بدو به قدرت رسیدنش

سیاست ترورستی معینی را دنبال می نمود. سیاستی که پایه در ماهیت وجودی این رژیم دارد و امری متعلق به چند سال اخیر نیست. در عین حال در همان سرمقاله متذکر شدیم که در سه سال گذشته، دانشه فعالیت‌های ترورستی جمهوری اسلامی بر علیه اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور ابعاد بیسابقه‌ای یافته است و دهها پناهنده و فعال سیاسی در چندین کشور آسیا و اروپا قربانی علیات ترورستی جمهوری اسلامی گردیده‌اند. و این امر زمینه مساعدتری برای افشای ماهیت ترورستی رژیم ایران در انظار جهانیان پدید آورده است. و سر انجام در ادامه سرمقاله، گزارش خبری کوتاهی در باره مراکز ترور رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور منتشر نمودیم. در این شماره، فهرستی از ترورهای تا کنونی رژیم جمهوری اسلامی را منتشر می نماییم. این فهرست مسلماً کامل نیست و تمامی علیات ترورستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور را در بر نمیگیرد. به همین جهت از کلیه خوانندگان گرامی تقاضا میکنیم در صورتی که در مورد ترورهای دیگری که در این فهرست موجود نیست اطلاعاتی دارند، در اختیار نثره "پویش" قرار دهند تا بتوانیم این فهرست را کامل نموده و اطلاعات جدید را در این رابطه منتشر کنیم.

* * * *

سال ۱۹۸۳: قتل ۳ تن از دانشجویان مخالف رژیم در مایس، هند و فیلیپین
سال ۱۹۸۵: قتل ارتشبد اوسی - فرماندار نظامی تهران در زمان انقلاب در پاریس.

۱۹/۸/۸۶ مطابق با ۲۸ مرداد ۶۵: انفجار در یک مرکز فروش فیلمهای ویدئو

بی به نام "فاضلی" که در اثر آن بیات فاضلی (۲۲ ساله) کشته و ۱۲ تن مجروح شدند. انگیزه این ترور فروش فیلم ویدئویی "وارثه آخوندی" در این مرکز بوده است.

ژانویه ۱۹۸۷: حمله به پناهندگان ایرانی توسط مزدوران جمهوری اسلامی و قتل ۲ تن از پناهندگان در پاکستان ۱۶/۱/۸۷ مطابق با ۲۶ دی ۶۵:

قتل علی اکبر محمدی - خلبان سابق رفسنجانی که به آلمان پناهنده شده بود. در هامبورگ، ۲۶/۴/۸۷ مطابق با ۶ اردیبهشت ۶۶: در جلوی ساختمان سازمان ملل عوامل جمهوری اسلامی تحت حمایت پلیس پاکستان با اسلحههای گرم و سرد به پناهندگان ایرانی حمله نموده و در نتیجه این حمله وحشیانه، ۵ تن از پناهندگان مجروح شده و به بیمارستان منتقل گردیدند.

۱۹/۵/۸۷ مطابق با ۱۹ اردیبهشت ۶۶: ترور حمید رضا چیتگر - عضو کمیته مرکزی "حزب کار ایران" (توفان) در وین (اتریش). جسدی در تاریخ ۲۹ - اردیبهشت ۶۶ در ساختمانی نزدیک هتل هیلتون در وین کشف شد.

رویه ۱۹۸۷: عوامل جمهوری اسلامی با اسلحههای گرم به مناطق مسکونی پناهندگان - ن ایرانی در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان حمله نموده و در اثر آن سه تن از پناهندگان کشته و بیش از ۲۰ تن مجروح شدند.

۱۸/۷/۸۷ مطابق با ۲۷ تیر ۶۶: در اثر انفجار بمب در لندن، امیر حسین امیر پرویز - از وزرای زمان شاه - بشدت مجروح گردیده و به بیمارستان انتقال یافت.

اواسط اوت ۱۹۸۷: قتل احمد طالبی در نزدیکی دریاچه لمان در زنو. احمد طالبی چند ماه پیش از مرگش، به همراه یک خلبان دیگر بابت هواپیمای F14 از ایران به عراق گریخته بود.

اکتبر ۱۹۸۷: روزنامه "هومت" چاپ ترکیه خیرداد کدو تن از اعضای سازمان - مجاهدین به نامهای صطفی ابراری و ابوالحسن مجتهد زاده بوسیله دیپلماتهای سفارت ایران در ترکیه ریزه شدند. مزدوران رژیم قصد

داشتند این دو تن را به ایران منتقل کنند اما در راه پلیس ترکیه آنها را کنترل نموده و آنان را بطور اتفاقی دستگیر میشوند و دین ترتیب این توطئه رژیم عقیم میماند.

۲/۱۰/۸۷ مطابق با ۱۰ مهر ۶۶: قتل نادر وطنی توکلی در منزل مسکونی شان ۱۶/۱۰/۸۸ مطابق با ۲۴ مهر ۶۷: در اثر تهاجم به اجتماع پناهندگان ایرانی در جلوی ساختمان سازمان ملل در - پاکستان، یکی از پناهندگان به نام محمود یک بند به قتل رسیده و ۵ تن دیگر مجروح شدند.

دسامبر ۱۹۸۸: در جریان تهاجم مزدوران رژیم به پناهندگان در جلوی سازمان ملل در اسلام آباد پاکستان، یک پناهنده ایرانی کشته شده و ۴ تن بشدت مجروح گردیدند.

ژوئن ۱۹۸۹: ترور سرهنگ عبدالله بهیر احمدی - عضو سازمان "درفش کایانی" - در دوی.

۱۳/۷/۸۹ مطابق با ۲۲ تیر ۶۸: ترور عبدالرحمن قاسمی - دبیر کل "حزب دمکرات کردستان ایران" (۵۹ ساله)، عبدالله قادری آذر - مسئول بخش ارهای حزب دمکرات (۳۷ ساله) و یکی از کردهای عراقی همراه آنان به نام فاضل ملا محمود رسولی (۳۸ ساله) در وین.

۷/۸/۸۹ مطابق با ۱۶ مرداد ۶۸: ترور ابراهیم سپید دشتی رضایی (۲۲ ساله) در اثر پرتاب مواد منفجره در - لندن. وی از سال ۱۹۸۷ در انگلستان زندگی میکرد و مدت کوتاهی قبل از مرگش تقاضای پناهندگی داده بود.

۲۶/۸/۸۹ مطابق با ۴ شهریور ۶۸: ترور غلام کشاورز - عضو "حزب کمونیست ایران" (۳۳ ساله) - در لارناکای قبرس. در این ماجرایکی از بستگان غلام کشاورز بنام یوسف رشیدزاده شاعین افساد شدیداً مجروح شده و به بیمارستان منتقل گردید.

۴/۹/۸۹ مطابق با ۱۳ شهریور ۶۸: ترور صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی "حزب کمونیست ایران" (۴۳ ساله) در کردستان (مرز ایران و عراق).

۱۴/۹/۸۹ مطابق با ۲۳ شهریور ۶۸: در اثر تیراندازی دو مزدور جمهوری اسلامی، یکی از پناهندگان ایرانی در فاصله ۷۰ متر، اداره مشاورتسی - ۷ - کراچی، بشدت مجروح گردید.



باتشکر و سپاس از دوستان گاه و با امید اینکه در شماره‌های آیند منشریه پوش از او قطعات ادبی دیگری در رابطه با مقاومت - تلاش، مبارزه زنان، مبارزه زحمتکشان، وطنزهای دربارہ مذہب داشته باشیم، اقدام به چاپ متن ادبی که اخیرا برایمان ارسال داشته‌اند میکنیم.

"میرزابنویس پارکگاه السہی"

میگویند در سینگاهای طولانی، آنزمان که خدا شهر لوط را ویران ساخت، خسته و کوفته بر فراز آمد، خستگی مفرط بود، آنچنانکه خوابی عمیق پراو چیره گشت. در این اثنا میرزابنویس بارگاهش، که از نشستن و نوشتن چندین هزار ساله بجان آمده بود، در اغیبت شمرده و خلاف قوانین انضباطی عرش، در پی چاپیچ کردنهای صعب، که ابلیس را در آن مأوا بود، بر زمین فرود آمد. دق الباب نموده رخصت خواست ابلیس اجازت فرمود، وارد شد. شیطان را تکیه داده بر مخدماي مشاهده کرد. آنگاه خود نیز بر زمین نشست.

ابلیس سخن نمی گفت.

میرزا: یا عزرائل چگونه است که مرا نمی شناسی؟

ابلیس: تو مگر همان میرزابنویس بارگاه آدم ابولبشر نیستی؟

میرزا: پس شناختی!

ابلیس: همان لحظه اول.

میرزا: پس چرا بپایم بر نخاستی؟

ابلیس: یا میرزا خموش، تو مزد و ریارگاهی هستی که رش به یک طرفه العین شهری را ویران و یالتگری را نابود میسازد، برپای اربابت بر نخاستم تا چه رسد به توای میرزا.

میرزا لرزان سوؤال دوم را مطرح و میپرسد یا ابلیس چرا از آدمیان اینگونه ناخرسندی؟

عزرائل پاسخ میگوید که ای میرزا: من از هر جنبنده چاپلوسی متفردم من با دیروزگان بدم.

رب تولقه نانی برای همین آدم ابوالبشر میسازد. این آدمیزاد خیر ندیده هم به پاس این تکه استخوان و لقمه نان مانند سگان برایش دم می جنباند و از نام تا شام دولا و راست شده، او را سجده میکند حتی سجده شبانه را از خاطر نمیرد. بله جناب میرزنان و گوشتی که از راه پلشتی و چاپلوسی حاصل آید زبیده دهان مقرین و همین آدمیان. ماکه عطای اربابت را به لقایش بخشیدیم و (عزت آزادی را نگهبانیم و آزادیم آزاد)

میرزا بر میخیزد با ترس و لرز، از سر سرابیرون میخزد و در آخرین دم بخود جرئت میدهد و ابلیس را چنین میگوید: یا عزرائل تو هرگز آدم نخواهی شد ابلیس غضب آلود برمی آشوبد و پاسخ میدهد که جناب میرزا آدم شدن پیشکش تو و دیگر یاران به کرایه گرفته شده ات اسرائیل و عزرائل و میکائیل. آنگاه شش پر ابلیسی را چنان حواله سر میرزا میکند که اگر سرش را نمی دزدید مغزش هزاره پاره میشد. میرزا فرار را برقرار ترجیح داد میبرون می آید. بعد از طی طریقی کوتاه آدمی را در پشت تپه ماهوری به کاشت می بیند. جلسو

رفته سلام میگوید و سؤال میکند: کیابنی آدم شما چرا اینقدر از شیطان بدتان می آید؟

دردل آدم باز میسود و شروع به فحاشی میکند چرا بدمان می آیند؟ همین پدر سوخته بود که زحمت زرع و کشت را برای ما هست. همین بود که جد ما را فریب داد و چنین در درمان کرد و گرنه ما هم اکنون در بهشت مشغول نوشتن شیرو عسل از چشمه کوثر بودیم.

میرزا میگوید جناب بنی آدم قدری انصاف داشته باش. خیال نمی کنی اندکی هم تصویر متوجه بدتان آدم ابوالبشر باشد بنی آدم به پاسخ چنین میگوید چرا که نه. همان قرماق بود که اندکی شکم صاحب مرده اش را نکه ندانست و از آن دانه لحنی بخورد و تا ابد برای مادر این زمین ناهموار زحمت کاشت و داشت را گذاشت در میان صحبت میرزا و آدم، خدا بر میخیزد و می بیند جات راست و میرزانیست. بسرعت بالدار حری فرشته رامی - طلبید و میگوید پرواز کن به جانب زمین و این پدر سوخته میرزا را با خود بیا که اگر اندکی غفلت کنی ابلیس فریبش خواهد داد.

خر بالدار در کمتر از چشم برهم زدنی بر پیچ تپه فرود می آید و میرزا را آوازی دهد:

" ای میرزا بیا که گاو زائیده "

میرزا هراسان می پرسد چطور؟

خر میگوید!

خالق همه چیز را فهمیده زود سوار شو.

کمتر از تانیهای میرزابه عرش می رسد.

دم و دستگاه شکجه مهیا است، خدا حکم را صادر میکند.

ای میرزا پدر سوخته ننگ به حرام به خاطر خدمات چندده هزار ساله ات پیش از این غضبت نمیکم. میر غضبان بارگاه الهی را فرا می خواند و فرمان را صادر می کند. به جرم خروج بدون اذن از عرش و ورود غیر مجاز به زمین چشماتش را میل بکشید.

اخباری از رویدادهای اخیر رومانی و سفر چائو شسکو به ایران



کیهان از قول رفسنجانی تاکید کرد: "مواضع جمهوری اسلامی ایران و رومانی در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی به هم نزدیک و یا کاملاً یکی است." وی گفت: در اکثر مسائل سیاسی، فرهنگی و جهانی مواضع مشترکی داشتیم، و بدینجهت پیشرفت مذاکرات سریع و مطلوب بود. پس از پایان سفر چائوشسکو به تهران در روز ۲۰ دسامبر بیانیه مشترکی بین دو دولت منتشر شد که در آن برنامه همکاری‌های دوازدهم اقتصادی و فنی تا سال ۱۳۷۹ شمسی برابر با سال ۲۰۰۰ میلادی میان دو دولت امضا شده بود. همچنین وزرای امور خارجه دو دولت برنامه همکاری در زمینه‌های علوم آموزش و فرهنگ و هنر برای سالهای ۱۳۷۰-۱۳۶۹ را امضا نمودند. در همین روز (۲۰ دسامبر) در رومانی بر اساس اطلاعات یک شاهد عینی ماموران امنیتی در تنس وار (Tenswar) با یک لیست اسامی به خانه کردی سیستماتیک پرداختند. یک دکتر رومانیایی در گراس (Graz) خبر داد که سربازان بدون اخطار قبلی به روی جمعیت آتش گشودند. دکترها بطور غیر رسمی رقم کشته شدگان را ۵۰۰ تن ذکر کردند. تعداد مجروحین به صدها تن بالغ می‌گردد. ۲۱ دسامبر به افتخار چائوشسکو مراسم و گردهمایی ویژه‌ای ترتیب داده شده بود. اما این مراسم به یک حرکت اعتراضی بر علیه وی تبدیل شد. پلیس به روی معترضین آتش گشود. هزاران تن فریاد میزدند: "مرگ بر چائوشسکو"

۲۲ دسامبر چائوشسکو سقوط کرد. سقوط او در پی چندین روز درگیری متوالی بین نیروهای طرفدار چائوشسکو و مردم که بخشی از ارتش نیز در کنار آنها قرار گرفته بود، صورت گرفت. در زیر خبرهای مربوط به حوادث رومانی از ۱۸ دسامبر ۸۹ تا بقدرت رسیدن ایون ایلیسکو به عنوان رئیس جمهور موقت رومانی می‌آید: روز ۱۸ دسامبر - واحدهای ارتش رومانی شهر تنس وار (Tenswar) را که در نزدیکی مرز یوگسلاوی قرار دارد، محاصره کردند. طبق گفته شاهدان عینی از ظهر ۱۷ دسامبر تیراندازی شدیدی شروع شده است. یک منبع موثق از قتل‌عام ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر که بوسیله نیروهای امنیتی کشته شده‌اند خبر داد. مرزهای رومانی به مجارستان و یوگسلاوی بسته شده است. روز ۱۶ دسامبر تظاهراتی در اعتراض به توقیف کشیش پروتستان بنام Laszlo Toekes که از مخالفین دولت بود، صورت گرفته است. با اینکه در روز ۱۷ دسامبر فرمان آتش‌ساز شده بود، بیش از ده هزار نفر در خیابانها بودند. در این میان چائوشسکو به منظور یک دیدار رسمی به ایران سفر کرد. در ایران سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از چائوشسکو استقبال گرمی به عمل آوردند. کیهان از قسول رفسنجانی درباره این سفر نوشت: "سفر آقای چائوشسکو سفر موفقیت آمیزی بود و زمینه توسعه همکاریهای دو کشور کاملاً مناسب است."

و "مرگ بر قاتل" از تعداد کشته شده‌ها و مجروحین گزارش دقیقی نرسیده است. در این گردهمایی به علت استفاده از گاز اشک‌آور چائوشسکو مجبور به قطع سخنرانی‌اش گردید. وی مدعی می‌شود که "دولت مجارستان" و "محافل امپریالیستی-ارتجاعی و شوینستی" مسئول ناآرامیهای اخیر می‌باشند. در روز ۲۲ دسامبر با وجود حکومت نظامی در رومانی حدود ۱۵۰ هزار نفر بر طبق گزارش خبر-گزاری آلمان شرقی در خیابانها بودند. از روز ۲۳ دسامبر شایع شد که چائوشسکو مخفی شده و یا به کشور دیگری گریخته است. اما در طول چند روزی که مردم رومانی و سایر نقاط جهان از سرنوشت وی و همسرش خانم النابی اطلاع بودند و بی‌عبارانه در انتظار شنیدن خبری در مورد محل اختفا، و یا نگهداری آنها بودند، چائوشسکو ۷۱ ساله که مدت ۲۵ سال بر مردم رومانی حکومت رانده بود و همسرش در اختیار بخشی از ارتش که علیه وی در کنار مردم قرار گرفته بود، قرارداد داشتند و سه شبانه روز در داخل یک زره پوش متعلق به ارتش نگهداری می‌شدند. نیروهای وفادار به او نتوانستند در جهت رهایی آنها اقدام کنند. عاقبت چائوشسکو و همسرش روز سه شنبه ۵ دیماه (۲۱ دسامبر) در یک دادگاه محاکمه و محکوم به اعدام شدند و حکم اعدام نیز بلافاصله درباره آن دو اجرا گردید. اعدام شتابزده آنها واکنش‌هایی را در پی داشت. آراکراس (Arakoracs) سردبیر روزنامه *الن پونتول* (Elen Pontole) که در زمان چائوشسکو دستگیر و به مجارستان تبعید شده بود و همچنین یکی از نزدیکان کشیش توکز (Toekes) - از مخالفین دولت چائوشسکو - می‌باشد در مصاحبه‌ای با روزنامه *es* نظر خود را درباره اعدام این زوج خود-کامه چنین بیان داشت: "این اعدام یک اشتباه نابخشودنی بود. خیلی بهتر بود که یک محاکمه مانند دادگاه نورنبرگ اجرا میشد."

اخبار ایران

شنبه ۱/۱۲/۸۹ TAZ

— چراغ سبز برای معاهده با ایران :
ایران و آلمان به منظور گسترش رابطه
بایکدیگر ، به هم علامت سبز نشان میدهند .
پرهیز از گسترش روابط با ایران بخاطر
ماجرای حکم قتل سلمان رشدی هم —
اکون (از نظردولت آلمان) دیگر متعلق —
به گذشته حساب میشود . اقتصاد آلمان
فدرال با تمام نیرو تلاش دارد تا بازار
ایران را متعلق بخود کند .

موسسه اعتباری Hermes-Bürgschaften
(۱) که تا بحال برای هر مودخساص
اعتباری تا سقف ۲۰ میلیون مارک راتضمین
مینمود ، بعنوان نشانه حسن نیت حکومت
آلمان (نسبت به جمهوری اسلامی) حجم
کلی این اعتبار بنهیم میلیارد مارک ارتقا
داده شده است .

هم چنین برخورد های سرد در تماس های
رسمی نیز بین دو دولت ازین رفته
است . قرار است در اواخر ماه ژانویه
۱۹۹۰ مشاور اقتصادی دولت بنسام
دیتر فن ورسن Dieter Von Wurzen
که یک هیات صنعتی او را همراهی میکند
، برای ارزیابی شرایط و نوسانهای
معاملات جدید به ایران سفر کنند . در
عین حال قرار است ، کمیسیون اقتصادی
شترک ایران و آلمان که از زمان سقوط
حکومت شاه در سال ۱۹۷۹ بحالت
تعطیل در آمده بود ، دوباره فعال شود .
مخالف حکومتی درباره روابطشان بسا
ایران برای ادعایند که " مافقط بسا
دیگران میروم . چرا که سایر کشورهای
عضو بازار مشترک مثل فرانسه و ایتالیا
نهمزد تهاست که مجددا روابطشان را با
ایران گشوده اند با وجود این تصمیمی
که بازار مشترک بر طبعه حکم قتل سلمان
رشدی اتخاذ کرده بود ، مبنی بر اینکه —

هیچ گونه دیداری در سطح فزاد —
کشورهای عضو بازار مشترک با مقامات
ایران صورت نگیرد ، به توت خود باقی
است .

باینکه هنوز فرمان قتل (سلمان رشدی)
پس گرفته نشده ولی درین این گونه

۲۵ دسامبر ولایتی را به مجلس احضار
کردند و از او توضیح خواستند که چرا
رهبر در حال سقوط کشور رومانی را به
تهران دعوت کرده و با او قرارداد
امضا کرده است .

حضور ولایتی و توضیحات او نمایندگان
مخالف را ساکت نکرد و او را دوباره
برای ادای توضیحات فراخواندند .
روزنامه کیهان نیز با نگارش مقالهای
بنام " بازی با شاه از پیش مات شده "
شدیداً به سیاستهای خارجی حکومت
حمله کرد و خواستار تغییرات اساسی
در وزارت امور خارجه شد . خلخالسی
قصاب و آدمکش نیز در جلسه روز ۴ دی
ماه ضمن قصاب و آدمکش خواندن چاد
نوشسکو شدیدا به ولایتی حمله کرد و
گفت : " چرا ملت رومانی باید یک
قصاب ، آدمکش و یک جنایتکار و یک
مملکت بر باد ده را قبول بکند " و
اضافه کرد : " ولی جای تاسف است
که وزارت خارجه آنطور که باید و شاید
از کارایی برخوردار نیست . مقامات
اطلاعاتی ما ، حتی سفیر ما در رومانی
آقای محمد گوهری به یکی از نمایندگان
محترم که شما ایشان را میشناسید و
نمیخواهم اسمش را ببرم شب چهار —
شنبه که میخواست بیرون گفته است که
این حرف های را که آقای خلخالسی
زده درست نبوده و در رومانی اصلا
خبری نیست . خلخالسی در پایان گفت :
" ما شخص آقای دکتر ولایتی را دوست
داریم ولی سیاست ایشان را قبول ندا —
یم . جکار باید بکنیم . ما هم در این
مملکت هستیم " .

عاقبت پای خانه ای نیز به میدان
کشیده شد . این بار خانه ای در
نقش خمینی ، دویوز بعد یک نطقی
شدید اللحنی علیه مخالفان اهراد کرد
و ضمن اینکه به اندازه کافی به نظام —

های کمونیستی " و جانوشسکو دشنام
داد و حمله کرد ، کسانی را که " بسا
حرکات غیر مسئولانه " و شیطنت آمیز
مجریان جمهوری اسلامی را زیر سؤال
میبرند ، بر حذر داشت و عدم رضایت
شدید خود را از آنها که دعوت جا —
نوشسکو را بهانه ای برای حمله به
دولت کرده اند ، اعلام نمود و گفت : چرا

اما این روش برای بسیاری از رهبران
جدید ، برای آنهایی که در گذشته
به جانوشسکو وفادار بودند ، ناخوشا —
بند بود . اعدام فوری برای آنها
مطلوب بود ، دموکراسی برای کشور اما
نه ! من توانستم از طریق تلویزیون
جریان کامل محاکمه را مشاهده کنم
و باید بگویم این محاکمه یک محاکمه
شرافتمندانه نبود ، بلکه آن فرم آشنای
قدیمی " نابودی به شیوه " ماموران امنیتی "
بود . بازجویی های خودم را به
یاد آوردم ، که در آنها نه براسلس
یافتن حقیقت ، بلکه براسلس از طریق
زیر فشار گذاشتن ، نه براسلس مدارک
بلکه براسلس اجرای حکمی از قبل
مادار شده بود

بعد از سقوط جانوشسکو ، این ایلیسکو
عنوان ریاست جمهوری موقت رومانی را
بدست آورد و در هفته گذشته مجازات
اعدام را در رومانی لغوشده اعلام نمود .
وی همچنین خبر انحلال سازمان پلیس
مخفی دولتی ، آزادی زندانیان سیاسی
و قانونی شدن عبادت در کلیسا را
نیز به اطلاع مردم رومانی رساند .
رفسنجانی که چند روز پیش از سقوط
جانوشسکو مهماندار وی بود و از او
استقبال رسمی و گرمی بعمل آورد میبود
و در طی دو روز و نیم اقامت وی سه
بار با او ملاقات و مذاکره کرده و علاوه
بر قرارداد های گوناگون یک قرارداد
طولانی مدت ۱۰ ساله نیز با او امضا
کرده بود ، همچنین مواضع جمهوری
اسلامی و دولت رومانی را به هم نزد —
یک و حتی " کاملاً یکی " خوانده بود ،
بعد از سقوط جانوشسکو این بسار
طرفدار قیام مردم رومانی شد و از مقا —
ومت خونین آنها دم زد و گفت :

" با تحولات اخیر دنیای کمونیسم
مشخص شد که کمونیسم مورد پذیرش
مردم آن کشورها نبوده است و در بین
مردم پایگاهی نداشته است و در جای
مانند رومانی مردم مقاومت کردند ، خون
دادند و آنها را پائین کشیدند " .

نقل از کیهان ۴ دیماه ۶۸
در این میان کشمکش بر سر مسئله
جانوشسکو و سفر او به ایران در میان
حاکمان جمهوری اسلامی برهه افتاد
و بالا گرفت . چنانکه ۴۵ نفر از اعضای
مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه

اخبار ایران

و نمود میشود که گویا در تهران ایمن ماجرا (سلمان رشدی) به بایگانی سپرده شده است . یعنی حتی زمانی که سوره سلمان رشدی در سرتیترهای در غرب قرار داشت ، این ماجرا در تهران به بایگانی سپرده شده بود .

البته (حفظ و فعال کردن) روابط از همان موقعی که جریان رشدی در غرب مطرح بود ، در دستور قرار داشت آلمان احتیاجی به سرپوش گذاشتن پروی این نکته ندارد . گنر بعنوان اولین وزیر خارجه اروپای غربی بود که به ایران ملاها سفر کرد و همچنین در سال گذشته در اوج موج اعدامهای گسترده در ایران دوازه از ایران دیدار کرد .

آلمان همچنان مانند گذشته ، مهمترین شریک تجاری ایران میباشد . معاملات اقتصادی بین دو کشور ، حتی بدون کمیسیون اقتصادی جریان داشته اند . د ولتمردان ایران در ماههای اخیر به بن اطلاع دادمانند که آلمان میتواند بر روی الویت داشتن در به عهده گرفتن بخشی از پروژه های برنامه پنج ساله که قرار است از ماه مارس ۱۹۹۰ در ایران آغاز شود ، حساب کند .

آلمان در نیمه اول سال ۱۹۸۹ کالاهایی به ارزش حدود ۱/۳ میلیارد مارک به جمهوری اسلامی صادر کرده است .

البته دولت آلمان برای این امر به دلیل ذخایر نا کافی ایران و تعداد زیاد پروژه های مختلف در چهارچوب بازسازی (اقتصادی) بعد از آتش بس در جنگ خلیج حدودی قائل شده است .

توضیح مترجم :

(۱) Herms - Bürgschaften :

موسسه ای است که در صورتی که کشورهای وام گیرنده قادر به بازپرداخت وامی که از بانکها ، صنایع و ... آلمان دریافت نموده اند ، نباشند ، این موسسه که اعتبار آنرا دولت تضمین میکند ، تقبل مینماید تا خسارات وارده بدانها را جبران کند .

در واقع این موسسه پشتگرمی است که از طرف دولت به صنایع ، بانکها و شرکت های آلمانی داده میشود تا با دیگر کشورهای و بخصوص کشورهای عقب نگه داشته شده به مبادله بپردازند .

داد و ستد پنهانی جمهوری اسلامی با دولت اسرائیل

در دسامبر سال گذشته توسط فرستنده تلویزیون ان . بی . سی . آمریکا خبری مبنی بر معامله نفتی جمهوری اسلامی با دولت اسرائیل فاش شده بود . اما مقاماتد و کشور اسرائیل و ایران در طی این مدت از تأیید خبر فوق امتناع می نمودند و حتی روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران این خبر را مورد تکذیب قرار داده بود .

اما اسحق رابین وزیر دفاع اسرائیل در جلسه کمیسیون مشترک امور دفاعی و خارجه مجلس اسرائیل به صحت این خبر اعتراف نمود و قول داد که مدارک کامل خرید نفت از جمهوری اسلامی را به زودی در اختیار رئیس ایمن کمیسیون قرار دهد .

وزیر امور خارجه اسرائیل (موشه آرون) نیز ضمن اعتراف به صحت این خبر ، افزود که این معامله ۳۶ میلیون دلاری از طریق یک کشور سوم (وی نام ایسن کشور ثالث را فاش نساخت) انجام گرفته است . رادیو اسرائیل نیز در روز ۲۷ دسامبر خبر معامله فوق را تأیید و پخش نموده است .

بنا به گزارش ان . بی . سی . آمریکا مذاکره خرید نفت از جمهوری اسلامی در کشور سوئیس به وسیله آوری لورانی نماینده پیشین اسرائیل در تهران و مشاور کونی اسحق رابین وزیر دفاع اسرائیل صورت گرفته است . در این میان با وجود اینکه رادیو اسرائیل از سیاست عدم فروش اسلحه به دولت ایران دم زد ، سازمانهای اطلاعاتی آمریکا گزارش میدهند که جمهوری اسلامی برای تأمین وسایل یدکی افزایش خود از دولت اسرائیل استمداد جسته است .

شکست سیاست میانجی گری جمهوری اسلامی در درگیریهای بیروت جنگی که از اول دیماه ۶۸ بیمن حزب الله لبنان و نیروهای امل آغاز شده ، هم چنان ادامه دارد . و این در حالی است که سردمداران جمهوری اسلامی سه روز بعد از آغاز این درگیری بشارتی (قائم مقام

وزارت خارجه جمهوری اسلامی) را ماه مور متوقف نمودن این درگیریها کرده بودند .

در این درگیریها که تا ۱۵ دیماه حدود ۵۹ کشته و ۲۲۵ زخمی در بر داشته ، طرفین مواضع یکدیگر را بر سر تسلط بر روستاهای " کفریلا " و " عین کاما " در منطقه التفاح در جنوب لبنان (۸ کیلومتری شمال شرقی بندر صیدا) یا تانک ، توپ ، خمپاره و راکت به زیر آتش قرار داده اند .

ملاقات های بشارتی و هیات همراه وی ، با نسیه بری رئیس امل و حسین موسوی یکی از سرکردگان حزب الله ، نتیجه ای در بر نداشت و تلاش سازمان آزادی بخش فلسطین نیز برای متوقف کردن جنگ ناکام مانده است .

نسیه بری در بیروت اعلام کرده است که این نبرد تا بیرون راندن کامل نیروهای حزب الله از د و روستای جنوب لبنان ادامه خواهد یافت . در این میان در بیروت شایع است که دولت سوریه تصمیم گرفته است بسا کمک نیروهای امل بساط حزب الله را در لبنان برچیند .

ناظران سیاسی تحولات اخیر لبنان را با سردی روابط د ولتمردان ایران و سوریه که به سبب نزدیکی دولت اسد و دولت مبارک در هفته های اخیر پیش آمده است بی ارتباط نمی دانند .



کیهان اول آذر ۱۳۶۸

فرج افزایده نماینده نوشهر در جلسه غنی مجلس شورای اسلامی چنین میگوید : " ماشعارنه شرقی ، نه غربی " میدهیم اما هنوز اقتصاد ما متأثر از اقتصاد غربی است . با گذشت دصالح روانیست که بازارهای مالی اسلامی نباشد من یکی دو پیشنهاد برای مقام رهبری دارم که اگر صواب دیدند به آن توجه کنند . ۱ - کسانی که در لباس مقدس روحانیت پس از پیروزی انقلاب دارای سمت و مقامی شدند و مبادرت به تاسیس شرکت ، کارخانه یا بنیاد نمودند و اموال عمومی را نیز به آن اختصاص دادند . سرعاً دست آنان را از آن اموال قطع کنند و در اختیار



اخبار ایران

دولت جمهوری اسلامی قرار دهند . اگر چه آنان مدعی باشند که قصد بهره برداری شخصی ندارند و در راه انقلاب و اسلام خرج میکنند . زیرا افکار عمومی قضاوت دیگری میکند و ضررش برای روحانیت و اسلام پیش از نفعی است که آقایان توجیه میکنند . آخر آخوند را چکار به کارخانه داری ، مرغزاری ، و جنگل تراشی و غیره .

۲ - بعضی از ائمه جمعه برای خودشان در شهرستانها تشکیلات مفصلی به هم زده اند و در همه کارها دخالت میکنند . پیشنهاد این است که اولاً برای آنها شرح و وظایفی روشن کنند و در آن چهارچوب حرکت نمایند و ثانیاً چرایک اتومبیل پیکان و یک محافظ داشته باشند مخصوصاً در مناطقی که هیچ مسالهای وجود ندارد . به چهار سال ثالثاً هر چهار سال عوض بشوند چون برخی از آنان اهل مطالعه نیستند و حرفهای

سیاسی را در دست دارند ، امروز بزرگ همگان آشکار است که مبارزه علیه رژیم سرمایه داری یعنی مبارزه علیه جمهوری اسلامی است . ثالثاً افزایش از دستگاه عریض و طولی که ائمه جمعه در سراسر ایران برای خود تشکیل دادند شکایت دارد و این شکایت افزایش به اشکارا نمایانگر تضادهای درونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است ، افزایش مباشرت در تمام امور کلاسی دم میزند که از رنج و خون توده ها فراهم گردیده و توسط سردمداران رژیم و روحانیت به بیخمارفته است . اگر چه افزایش میخواهد طاعت نارضایتی توده ها را به ائمه جمعه و کلا جناح رقیب نسبت دهد ولی آنچه مسلم است این میباشد که توده ها در تجربه ده ساله خود به خوبی دریافته اند که عامل فقر و فلاکت و همسنگ کشتار ها و اعدامها و تمام هائب دیگر فقط و فقط ره آورد رژیم سرمایه داری - جمهوری اسلامی ، و نفرت و انزجار خود را از تمامیت رژیم ایران داشته اند .

تکراری میزنند - هایتی به شهرها بفرستید تا ببینید که غیر از افراد نظامی ، انتظامی و مسئولان آن شهرها چند درصد از مردم در نماز جمعه شرکت میکنند .

سخنان افزایشده نمایند . مجلس شورای اسلامی قابل تعمق است . او اعلام میدارد که شعار نه شرقی ، نه غربی یک ادعای پوچ میباشد و در عمل قابل پیاده کردن نیست . او صریحاً اعلام میدارد که رژیم اسلامی یک حکومت سرمایه داری می باشد . در همین رابطه شعله سعدی نمایند مردم شیراز در سخنان قبل از دستور ۱۵ آذر ۱۳۶۸ اعلام میدارد که دولت موسوی دولت شعار بوده است . رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی از همان بدو به قدرت رسیدن شروع استفاده از تهمتات مذهبی توده ها در جهت بازسازی و حراست نظام سرمایه داری همت گماشت و امروز نیز نمایند مذکور مجلس شورای اسلامی با صراحت هر چه تا متر اعلام میدارد که بخش وسیعی از سرمایه در دست خود روحانیت است که قدرت

خبرهای مربوط به اقدامات فاشیستها

قتل یک ایرانی بدست فاشیستها ! سوئد : طبق یک خبر رسیده در ساعت ۲ شب اول ژانویه در شهر مالمو سوئد یک ایرانی که به همراه برادر و پسر دانش آموز محل سکونت خود بودند مورد حمله یازده تن از عناصر ضد خارجی قرار گرفت این ایرانی که کارگیت کارخانه ماشین سازی در سوئد بود در اثر ضربه کارد عناصر ضد خارجی که به قلب او خورده بود جان داد و بعد فاشیستها جسد او را جلوی یک رستوران ایرانی انداختند . ●●●

حمله فاشیستها به ۳ خارجی !

صبح روز سال نو (مسیحی) ۱۳ فاشیست (Skinheads) در لودویگز هافن سه نفر ترک را جلو یک کافه مورد ضرب و شتم قرار دادند ، بنحوی که از شدت ضربات وارده به بیمارستان منتقل شده اند ، بنابراین گزارش پلیس ، هفت فاشیست مذکور بازداشت شده اند .

Polacek

Polacek و مسئول سازمان شده یک مرکز آموزشی " در اطراف کتینگن می باشد . جانشین وی Heise در حال حاضر به دلیل قتل یکی از متقاضیان پناهندگی که از اهالی لبنان بوده است ، به اتهام قتل ، پرونده اش در دادگاه در حال بررسی است . (۱)

بسیاری از این راستهای افراطی (در این تظاهرات) ملبر به پیراهن قهوه ای و جکمه های مخصوص بودند ، و تعدادی از آنها یک پرچم که نقش به نشانه جنگی رایش بود بر بالای سر خود تکان میدادند ، و یک پلاکارت که بر روی آن شعار " آلمان شما را رهایی خواهد بخشید و بایستی TUZT را خورد و خاک شیر ساخت " با خود حمل میکردند . یک سخنگوی پلیس چنین اظهار داشت که به سبب کپی برداری از پلیس ، تلاش های آنان برای جلوگیری از پیشروی F.A.P با ناکامی روبرو شده است .

جماعت F.A.P بر روی محوطه

گزارش روزنامه Taz از یورش - وحشیانه نفوذنازیست ها ! دوشنبه ۱۱ دسامبر ۸۹

اینجا FAP در حال رژه رفتن است . ۱۰۰ تن از نفوذنازیست ها با قلمرو سنگ به مرکز جوانان شهر کتینگن یورش بردند .

JUZI از کتینگن رایمار پاول : حدود ۱۰۰ تن از اعضا و واستگان نشو - فاشیست ها (که خود را) حزب آزادی بخش کارگران آلمان (F.A.P) می نامند . روز شنبه ۹ دسامبر در شهر کتینگن با اقدام تظاهراتی به مرکز جوانان JUZI با قلمرو سنگ و راکتهای منور هجوم آوردند . حدود ساعت ۳ بعد از ظهر نشو نازیست ها که با فراخوانی از سراسر منطقه شمالی آلمان در یارتی گرد هم جمع آمده بودند ، بدنبال رهبران شان Thorsten Heise و Karl Polacek

اما آنچه گزارش سالانه UNICEF نمیخواهد و نمیتواند به آن اشاره کند، این واقعیت است که مرگ و میر این کودکان نتیجه طبیعی نظامی است که تحت آن انسانها نه حاکم بر سرنوشت خویش بلکه برده سرمایهاند. نظامی که در آن ارزش افزایی سرمایه و کسب سود هدف محسوب میگردد، و جان و زندگی انسانهای زحمتکش و مستعدیده تنها تا آنجا بحساب می آید که یا از جانب طبقات حاکم برای تحقق هدف فوق ضروری تشخیص داده شود و این انسانها با مبارزات و اعتراضات پیگیر خود، رعایت بخشی از حقوق اجتماعی و اقتصادی خویش را به این طبقات تحمیل کرده باشند. رهایی قطعی از فقر و سیه روی کتونی نیز نه در چشم امید داشتن به صدقه های این یا آن موسسه و دولت سرمایه داری که خود در حفظ وضعیت موجود ذینفع هستند، بلکه در نابودی نظام و مناسبات موجود و بنای یک مناسبات واقعا انسانی میباشد.

میخوانیم که روزانه نزدیک به ۸۰۰۰ تن از این کودکان به علت ابتلا به بیماریهای سرخک، کزاز و سیاه سرفه میمیرند و تنها تزریق واکسن این بیماریها برای رهایی این کودکان از مرگ کافی است. قریب ۷۰۰۰ کودک قربانی بیماری پیش پا افتاده اسهال میگردند و حدود ۶۰۰۰ کودک در اثر التهاب شش ها که با مصرف آنتی بیوتیک به سادگی قابل علاج است، از بین میروند. بر اساس همین گزارش، این امکان وجود دارد که با صرف هزینه کمی از مرگ و میر کودکان جلوگیری نمود. تنها صرف ۲ تا ۳ میلیون دلار کفایت تا با استفاده از دارو و واکسن، حداقل نیمی از این کودکان را از مرگ نجات داد و با صرف ۲/۵ میلیارد دلار میتوان تمامی مشکلات پزشکی و دارویی همه این کودکان را برطرف ساخت. و این ۲/۵ میلیارد دلار معادل مبلغی است که شرکت های آمریکایی برای تبلیغ سیگار خرج میکنند و کمتر از هزینه تسلیحاتی تنها یک روز دولتهای جهان است.

تازه بعد از اجتماع F.O.A.P به سمت وسایل حمل و نقل خود می رفتند، پلیس بطرف آنها هجوم آورد. در جستجوی (که از آنان بعمل آمد) پارامای وسایل محترقه و مهمات وحشت زا، از آنان کشف و ضبط شد. بزودی حدود ۶۱ نفر بازداشت بدلیل مظنون بودن به اختلال در امنیت کشور توسط دادستان تحت تعقیب و تحقیق قرار خواهند گرفت.

تازه بعد از اجتماع F.O.A.P به سمت وسایل حمل و نقل خود می رفتند، پلیس بطرف آنها هجوم آورد. در جستجوی (که از آنان بعمل آمد) پارامای وسایل محترقه و مهمات وحشت زا، از آنان کشف و ضبط شد. بزودی حدود ۶۱ نفر بازداشت بدلیل مظنون بودن به اختلال در امنیت کشور توسط دادستان تحت تعقیب و تحقیق قرار خواهند گرفت.

(۱) ولی معلوم نیست چنین جنایتکار هاری که در حال محاکمه نیز بسر می برد، چرا باید بی شرمانه و گستاخانه در پی استمرار و تکمیل نمودن جنایتهایشان را گذاشته شود؟! مترجم

بخون شرح



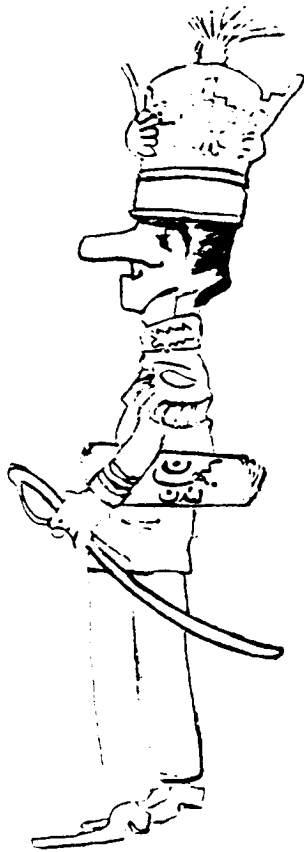
1990 —
na und?

اخبار جهان

((گزارش سالانه UNICEF درباره مرگ و میر کودکان))

بر اساس گزارش مورخ ۱۲ دسامبر ۸۹ - سازمان UNICEF - بخش حمایت از کودکان سازمان ملل - سالانه ۱۴ میلیون کودک در کشورهای در حال توسعه از گرسنگی، تشنگی و بیماریهای نظیر سیاه سرفه، سرخک، التهاب شش ها و کزاز میمیرند. به عبارت دیگر روزانه نزدیک به ۴۰۰۰۰ کودک در کشورهای تحت سلطه در اثر عوامل جهان میبازند که کاملا قابل پیشگیری است. در ادامه گزارش سالانه UNICEF

بررسی یکی از
ادعای نشریه کیهان - لندن



در شماره ۲۷۹ نشریه کیهان - لندن
مورخ پنجشنبه ۹ آذر ۶۸ مطابق با ۳۰
نوامبر ۸۹ با ادعای عجیبی روبرو می-
شوم. در صفحه اولی این شماره تحت
عنوان "نظرخواهی کیهان از جمله
میخوانیم: "کیهان" به مردم -
ایران تعلق دارد و کوشید ماست و خواهد
کوشید که منعکس کننده افکار و نظرات
و پاسخ گوی نیازها و انتقادات همه
مردم باشد."

برای بی بردن به بی پایه و اساس بودن
چنین ادعایی حتی احتیاجی نیست
که انسان تمام مقالات و نوشته های
کیهان لندن را در طول ۶ سال -
فعالیتش دنبال کند و تنها کافی است
تابانگهی گذرابه مطالب همین شماره
۲۷۹ عدم صحت این قلمبه گوی آشکار
شود.

اگر همین شماره نشریه را از نظریکذرا -
نیبه در همان صفحه دوم آن "اطلاعه
دبیر خانه شهیر ایران" نظرمان را
بخود جلب میکند. با این موضع گیری
کیهان لندن نشان میدهد که از قبل
رضا پهلوی رابعنوان "شهیر ایران"
برای خود (ولابد برای همه مردم
ایران) مفروض دانسته است و بدین
ترتیب خود را بی رودریاستی یک
سلطنت طلب د و آتش به خواننده معرفی
میکند.

شاید در قاموس کیهان لندنی ها
سلطنت طلب بودن نیز جزئی از نیازهای
همه مردم ایران است! در همان
صفحه ۲ باز نظریات متوجهرگجی -
دبیر کل "سازمان درفش کاساویسی"
که یک جریان سلطنت طلب د و آتشه
محسوب میشود (در باره قرارداد ۱۹۷۵
الجزایر) با آب و تاب فراوان نقل شده
است.

هم چنین در صفحه ۷ این نشریه نامه ای
از زبان "جوانان هوادار مشروطه
(مقیم فرانسه)" منتشر شده و از قبول
آنها نقل شده است که مشروطیت برای
آنان نه بشائبه یک آیدئولوژی بلکه به
عنوان "ایرانی بودن" مطرح است.
یعنی به زعم آنان اصولاً و اساساً ایرانی

بودن و مشروطه طلب بودن با هم
مترا دند.

این مطالب را تنها با یک ورق زدن -
صفحات کیهان لندن (و صرف نظر ازینش
حاکم بر اخبار و چگونگی انتخاب آنها و
همچنین تفسیر و توضیح مغرضانه این -
نشریه از رویدادهای مربوط به ایران و
جهان) میتوان از آن استخراج نمود.
و همین کافی است تا نشان دهد که
نشریه فوق اصولاً برای اشاء و تبلیغ
نظرات این قماش اشخاص، گروهها و
جریانات بنیاد گرفته است.

اگر تمام این شماره کیهان لندن را زیر و
رو کنیم، حتی یک سطر و یا جمله ای،
از اخبار مبارزات و اعتراضات کارگری و -
یا اخبار و گزارشات متعدد در مورد
جنبش انقلابی خلق کرد در ایران در
مورد بی حقوقی و فشارهای اجتماعی
وارد بر اکثریت مطلق پناهنده ها پیدا
نمیکیم و به موازات آن، هیچ خبری از
فشارها و تضییقات فاشیستها نسبت به
خارجی ها، از مبارزات کارگری در اروما
و آمریکا، از ضرورت همبستگی ایرانیان
با مبارزات موجود بر علیه فاشیسم و
نژادپرستی و لزوم همبستگی با
زنان و مبارزات نیروهای کارگری و پیشرو
در کشورهای که مقیم آن هستند، -
کوچکترین اثری نمیابیم.

چرا چنین است؟ چونکه این نشریه -
غیرمغرم ادعایش نه "نیازهای همه مردم"
بلکه نیازهای یک گرایش خاص را در نظر
دارد و تلاش در تبلیغ، ترویج و اشاء
نظرات آن گرایش میکند و مشغله نای خاص
آنها مطرح و منعکس میکند.

البته این گرایش خاص نیز چیزی به جز
ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی که در راس
آنها سلطنت طلبان یعنی بقایای آن ضد
انقلابی که توده های مردم ایران ۱۱ -
سال قبل با شرف بسیار آنرا بگوسپرد ماند
نمیباشد. این نشریه مروجین ارتجاع
آریامهری است یعنی همان دیکتاتوری
نظامی - پلیسی ای که اختناق سیاه
، پلیس، محضی، مخوف و سرسپردگی آشکار
به آمریکایی است. مشخصه اصلی آن
بود. و برآستی چگونه میتوان نظرات

و نیازهای بقایای این ارتجاع را منعکس
نمود و درین حال از "نیازهای همه
مردم" دم زد؟

اگر این نشریه سلطنت طلب، پس از -
سالها دیکتاتوری سیاه سلطنتی و قرب
دو سال کشتار مداوم در طی سالهای
۵۶ و ۵۷ مجدداً جرات یافته است تا
خود را انعکاس دهنده نظرات و انتقاد -
ات همه مردم ایران جا بزند، آنرا مدیون
وحشیگری و قساوت رژیم جمهوری اسلامی
در اعمال حاکمیت جابرانه اش است.

اینان و همه سلطنت طلبان قبل از هر
چیزی با قلع و قمع توده ها بدست رژیم
اسلامی از گور برحاسته اند و در وهله
اولی حیات مجدد و ادا و ادعای خود
را مدیون جنایات بی حد و حصر و فقر
و فلاکت بیسابقه ای که رژیم جمهوری
اسلامی به مردم ایران اعمال میکند،

نامه های رسیده

دوست عزیز آزا دم-کن ، خبرهای که درباره حوادث اخیر رومانی ترجمه کرده و برای نشریه پویش ارسال نمودماید ، بدست ما رسید . از همکاری شما متشکریم . ما از اخبار ترجمه شده شما در بخش اخبار مربوط به رویدادهای اخیر در رومانی سود جستیم . امیدواریم در آینده همکاریهای وسیعتر و عمیقتری با کسبه و نشریه پویش داشته باشید .

دوست گرامی روح . از برانشواک ، ترجمه شما بدست ما رسید . از همکاری شما با نشریه پویش فوق العاده سپاسگزاریم . از ما خواسته بودید که نشریه را برای شهرهای مختلف بفرستیم تا آنرا روی میز کتابهای دموکراتیک توزیع کنند . ما نیز علاقمندیم که پویش به نحوه گستردهتری پخش و توزیع شود . در این رابطه اگر امکان و یا امکاناتی را در نظر دارید ، ما را در جریان قرار دهید . تا با همیاری یکدیگر در توزیع هر چه وسیعتر پویش بکوشیم . ضمناً تذکرات و رهنمودهای فنی شما را در اختیار مسئولین صفحه بندی قرار خواهیم داد .

دوست گرامی محمود از سوئیس ، نشریه‌ای را که برای ما ارسال کرده بودید ، بدست ما رسید . از لطف شما صمیمانه سپاسگزاریم . ما امیدواریم همکاریهای بیشتری با شما در زمینه‌های مختلف داشته باشیم . همچنین ما چشم براه خبرهای شما بخصوص در رابطه با کشوری که مقیم آن هستید ، میباشیم .

نوشته زیر از طرف یکی از دوستان به نشریه پویش رسیده است . لازم است یادآوری نمائیم که نشریه پویش انتظار داشت مطالبی با استدلال و بحثی ارز-شمندتر را به این موضوع برای ارسال شود . با اینحال برای اینکه

خوانندگان پویش و همه رفقا و دوستان نشریه پویش را از آن خود بدانند و در جهت هر چه پویاتر کردن آن ماریاری برسانند اقدام به درج این مقاله نموده- ایم . در رابطه با مضمون مقاله نشریه پویش هیچگونه مسئولیتی را به عهد . نمیگردد و مسئولیت مقاله با خود نویسنده است .

در تاریخ ۱۹۸۹/۱۲/۲۲ بدعوت کسبه همبستگی با مبارزات مردم ایران ، سخن-رانی پیرامون دمکراسی از سوی آقای باقرمونی در سالن دانشگاه هانوفر برگزار شد . از نگاه با آوری به پرسمان دمکراسی این سخنرانی دارای هیچگونه یافته و یادریافت تازه‌ای نبود . از اینکه بگذریم ولی این سخنرانی آینه‌ای بود که تنها توانست برای يك آن چهره واقعیت اندیشه و اندیشه‌پردازان مان را در خود بنمایاند و این دستم‌دارای اندک باری است که میتوان آنرا به دندان سنجش جوید . اگر از انتظار ساده لوحانه برخی شنوندگان که اغلب در چنین اوضاعی بی‌مرز و اندازه میروید و ارزش‌یک چنین عمل اجتماعی را فراق‌واقعی میکند ، چشم-پوشی شود ، این سخنرانی و رشکستگی باورهای سخنران را برای شنوندگان عریان کرد . بهررو آقای مونی ، با آغاز مسئله آدم و حوا و وسوسه‌های آزادی-خواهانه شیطان دمکراسی را از سر-چشمه‌های آسمانی اش ، همانا برابر

پوچ زیروغ پروردگار ، آغاز و تارویش بوروکراسی در ارد و گاه کشورهای پرولتاری پیگیری کرد . البته منهای روش‌شناسی ناروشن آقای مونی در آناکای تاریخ جهانی اش ، استدلال‌های پاره‌پاره و نابجای ایشان گزاره‌ها و قضیه‌های فراوانی را از تاریخ فلسفه و ادبیات تا سیاست و دانش‌های اجتماعی در بر میگرفت و برای شنوندگان گفتگی فراوانی بهمراه آورد که چگونه این همه آخشیج (تاقص) و پارادکس (پارادکس) را میتوان یکجا سرهم بندی کرد . این هنوز همه بار سخنرانی نیست . بار سخنرانی را بایستی در آنجاهایی جستجو کرد که آقای مونی بر مبنای سناریویش پیوسته توده‌ها را قهرمان تاریخ مینامد و هر عمل ویرا مقدس میشمارند ، به ناگهان خویشتن

را رویاروی انبوه‌مهرش شنوندگان که عمدتاً پیرامون رویدادهای کنونی اروپای شرقی می‌چرخند ، می‌یابد . آقای مونی هرگز رویداد استدلالاتی خود را منطقی پیگیری نکرد ، زیرا او پیوسته رویاروی پرسش : شما در باره رویدادهای کنونی اروپای شرقی چه می‌اندیشید ؟ بارها گفت ، و بی آنکه از بازگفتن خسته شود ، گفت دستاورد های تاریخی به عقب باز نمیگردد و معلوم نیست که چه خواهد شد ، و یا گفت اینها تخیراتی تاکتیکی هستند ، کویی که میخواست دلسردشدگان بسه ارد و گاه راتسلی دهد ، یا پاسخ‌هایی از این دست .

پاسخ هادروند منطقی استدلالهای منطقی وی نبود به این مفهوم که آقای مونی باور به عیان توده‌ها دارند و این را چندان بار نیز گفتند . ولی گویا فراموش می‌کنند که رویدادهای کنونی اروپا از آغاز فرم‌های سیاسی تا جنگ داخلی در رومانی راتسوده‌ها آغاز کرده به پیش میراند . ایسن یک سوی این ورشکستگی بود . و لسی سوی دیگر بایستی در احساس آسیب خورده وی به هنگام پاسخ گفتن به پرسش‌های کتبی دید .

او میپنداشت که با یک پرسشی پاسخ دهد و یابد تر ، میتوانده هر پرسشی پاسخ دهد این پندار از کجا برای ایشان روییده بود ، همچنان برای شنوندگان ناروشن ماند شاید بتوان آن را در کسب و شنوندگان در قلمرو آگاهی یافت یا اینکه سخنران میپنداشت که همه چیز دان است به هررو احساس وی در آنجا آسیب خود که به ناگهان یکی از پرسش‌ها از فضای جا افتاده پرسش و پاسخ بیرون جهیده بود و نظر سخنران را در باره تفاوت " موجود و ممکن " ، " موجود و ضروری " میخواست . آقای مونی کفشگفت زده می‌نماید درخواست کرد که پرسنده باردیگر پرسش خود را شفاف‌تر بگوید ، تا ایشان ناروشنی پرسش را بفهمند . کوتاه اینکه پس از توضیح شنونده آقای مونی نتوانست که خود را از زند حیرت بر-هاند و سخنرانی از اینجا آرام آرام

اقدامات جدید علیه زنان (ترجمه ای از روزنامه TAZ)

بی جیره و موجب فساد غری هستند ماباید با این نوع خدمتگزاری (بسه بیگانگان) در جامعه مبارزه کنیم. این روزنامه در عین حال علیه آن بخش از تلاش های رفسنجانی که در حوزه جلب متخصصین از خارج برای بازسازی اقتصادی جریان دارد، موضع گیری میکند.

از آنجایی که (در ایران) موسسات (و یا دستگاههای) سیاسی یا حقوقی قانونی که زنان بتوانند برای (احقاق حقوق) خود بدان رجوع کنند، یافت نمیشوند. بنابراین تنها اعتراض فردی باقی میماند.

"ما میخواهیم در فضای آزاد و نه در مکانهای مسقف ورزش کنیم." این مطلب در هفته نامه "زن روز" از زبان یک دختر ۱۹ ساله نقل شده است. آخر اکتبر یک گشتی کشته تلاش کرد مبد زنانی را که در حال ورزش کردن بودند از یکی از پارکهای تهران بیرون براند.

تاریخ ترجمه :

۱۹۸۹/۱۲/۱۲

"زنانی که حجاب را نادیده میگیرند، در واقع در ردیف اپوزسیون رژیم قرار دارند." این تهدید توسط مرضیه حدیدی دبیر دبیران شد. وی یکی ازه زن از نمایندگان مجلس میباشد او هم چنین اضافه کرد: "اگر دولت خود را سزا (بر علیه این زنان) اقدام نکند، خود مردم با دستان خودشان این عمل را انجام خواهند داد." این نماینده در زمان تبعید خمینی در عراق خدمت کاروی بود و بعداً بعنوان - فرمانده زن نظامی (حواهران زینب) ارتقاء یافت و از آنجا به پارلمان نقل مکان نمود.

وقتی وی از "مردم" صحبت میکند، منظورش آن دسته از مورتور و وارانسی است که در خیابانها امنیت را سلب میکنند. برای زنان مزاحمت ایجاد می کنند و در برخی مواقع بروی بدن زنان تیغ میکشند و یا اسید روی صورت آنها میپاشند. روزنامه کیهان "در باره" "پانک های بومی" که لباسهای جلف به تن میکنند، نوشت که "اینان عاملین

بر زنان رابطه تنگ تنگی با موقعیت سیاسی و چگونگی ثبات رژیم دارد. چنانکه هر بار که رهبران تهران در حال ضعف و عقب نشینی بسر میبرند، بطور مثال بعد از آتش بس در جنگ خلیج، زنان میتوانند در خیابانها آزادیهای محدودی داشته باشند و حجاب اجباری نسبتاً مثل ترشد تا زمانیکه موقعیت رژیم با ثبات تر میشود، دوباره تسمه ها را - محکمتر میکنند.

از زمان کسب قدرت توسط رئیس جمهور رفسنجانی در تایلستان گذشته، احتلا - نهادهای سیاسی داخلی بین فراکیویتهای مختلف (رژیم) تشدید شده است رژیم از ترس از کف دادن پایگاه باصطلاح - رادیکال خود سختگیری بیشتری در مقابله با زنان از خود نشان میدهد.

در این رابطه قانون مشروعی وجود دارد که در آن شرح مبوطی در باره انواع "تخلقات" (زنان) قید شده است. (مثلاً در آن) مقرراتی ذکر گردیده که مربوط به "سر" و یا بدن و یا ساق پا هستند (و عدم رعایت آنها جرم محسوب میشود).

آخرین مهلت دریافت مطالب

اخبار، گزارشات، مقالات و... خود را حداکثر تا تاریخ ۱۰ فوریه ۹۰ برای ما ارسال دارید.

بررسی یکی از ادعا های نشریه کیهان - کنگدن

عنوان یک بدیل مطرح نماید و دوباره آنان را در مقابل مردم ایران در یک صف واحد قرار دهد.

بنابراین بر ماست که برای متابله جدی با تهم پراکی سلطنت طلبان و انشاه بی امان جعل، تحریف و دروغگیهای نشریاتی از قبیل کیهان لندن، فریب - کاریهای و ماهیت ستگرانه سلطنت طلب - هارا هر چه بیشتر برملا سازیم.

تحریف تاریخ، مسخ و وارونه کردن واقعیات و با وده "دمکراسی" آنهاست از زبان کسانی که خود سالها همه حقوق و آزادیها را سلب کرده و مردم را به روز سیاه نشانده بودند، جنایات سلطنت پهلوی را بیوشاند و یا لااقل آنها را کمرنگ کند. و به موازات آن در تکاپوست تا با جمع آوری قوا و متحد نمودن صف بورژوا - ناسیونالیسم ایرانی به سرگردگی سلطنت طلبان آنها را بسه

چکه پوشان و قلد رهای خشک مغز و ابله سلطنت طلب را که امروز این نشریه سعی دارد تا آنها را به نقش و نگار ممتازین پارلمان تارست تزئین کند، یاد نبرد هاند. قلد رهایی که نسل به نسل به مدت ۵۷ سال بوسیله شلاق، زندان و گلوله مردم را تحت سلطه بیرحم استبداد و خفقان شاهنشاهی قرار داده بودند.

امروز کیهان لندن سعی دارد بیسا

((اطلاعیه))

در روزهای ۲۰ و ۲۱ ژانویه یت کنفرانس ضد فاشیستی در هانوفر برگزار میشود. در این کنفرانس که طیف وسیعی از نمایندگان سازمانها، تشکلهای و عناصر ضد فاشیست شرکت میکنند، قرار است مسئله فاشیسم در آلمان از زوایا و جنبه‌های گوناگونی بررسی شود. به همین منظور گروه‌های تحقیقی در مورد مسائل زیر تشکیل گردیده است:

الف) نئو فاشیسم و مسئله آموزش و پرورش

ب) برنامه گروه‌های نئو فاشیست در مورد کارگران، تزیینی حقوق اجتماعی، محدودیت در بیمه‌های اجتماعی، تصمیمات اتحادیه‌ها در مورد رشد گروه‌های راست و ...

پ) برنامه احزاب نئو فاشیست در رابطه با خارجیها، حق پناهندگی و ...

ت) نظرات فاشیست‌ها درباره مسئله زنان، ایدئولوژی فاشیستی درباره مادران، کار زنان، سیاست نسبت به خانواده و ...

ث) سیاست نئو فاشیست‌ها در رابطه با صلح، کشورگشایی، ناسیونالیسم و ...

ج) نظرات سازمان‌های فاشیست درباره دموکراسی، دولت و ...

چ) برنامه‌های احزاب نئو فاشیست در مورد کار در جوانان، سازمان‌های فاشیستی جوانان، و مسائل کار دموکراتیک در جوانان و ...

ح) فاشیسم و مسئله اکولوژی

در این کنفرانس قرار است پس از بحث حول مسائل فوق، راه‌های مبارزه با رشد فاشیسم و ارائه آلترناتیوی در مقابل برنامه‌ها و سیاست فاشیستی بررسی شود.

" کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران " نیز در تدارک این کنفرانس و همچنین در گروه تحقیق مربوط به خارجیها شرکت دارد و در این زمینه ارتباطات منظمی با بخشی از تشکلهای و عناصر ضد فاشیست برقرار نموده است.

مادر شماره آینده " پویش " خوانندگان گرامی را در جریان چگونگی برگزاری این کنفرانس و مباحث طرح شده در آن حواهمی گذاشت.

زمان: ۲۰ و ۲۱ ژانویه ۹۰ شروع: ساعت ۱۴

مکان: Freizeitheim Vahrenwald

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر

خطر بازگرداندن يك پناه جو ایرانی به ایران

امروز تصمیم به استرداد حمیدیان ، فردا ۱۰۰۰!؟

بنا به گزارش روزنامه (caz) در تاریخ ۹/۱/۹۰ ، رؤسای اداره خارجیها در استان بایرن قصد دارند يك پناه جو ایرانی بنام فرشاد حمیدیان را به ایران بازگردانند . وی ۲۶ ساله و متولد تهران میباشد و به نقشه کشی کشاورزی در يك مجتمع ایران بکار اشتغال داشته است . بنا به اطلاعات روزنامه (caz) وی در مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی فعال بوده و در پخش شبنامه های ضد دولتی و شرکت در تظاهرات بر علیه ج ۱۰ نقش داشته است . به همین دلیل وی یکبار نیز دستگیر شده و بعد از آزادی از زندان ، در سال ۱۹۸۶ با کمک برادرش از طریق ترکیه به برلین غربی آمده ، و در آنجا تقاضای پناهندگی داده است .

از برلین غربی وی را به لاگبری در سیرندورف (Zirndorf) تقسیم میکنند و پس از مدتی از آنجا به لاگردیگری در (Hersbruck) که در ۳۰ کیلومتری شهر نورنبرگ واقع شده ، فرستاده میشود . حمیدیان در آنجا نیز به فعالیت مبارزاتی خود با همکاری پناهندگان و پناهجویان دیگر ادامه میدهد . از جمله فعالیتهای وی میتوان از تحریم غذاهای هایم - شرکت در يك تظاهرات بر علیه جنگ ایران و عراق و همچنین شرکت در يك اعتصاب غذا برای بهبود شرایط زندگی پناهجویان و ... نام برد .

در مارس ۱۹۸۸ فرشاد حمیدیان در اولین دادگاه برای پذیرش پناهندگی در سیرندورف شرکت میکند که ۲ ماه بعد جواب منفی دریافت میکند . در ژوئن ۱۹۸۹ که تقاضای پناهندگی او مجدداً از طرف دادگاه رد میشود ، به او ابلاغ میگردد که موظف است هر چه سریعتر خاک آلمان غربی را ترک کند . برای او فقط این امکان باقی میماند که تقاضای دولدونگ (Duldung) بدهد . ولی در تاریخ ۸۹/۱۲/۲۸ اداره خارجیان (Landratsamt) شهر نورنبرگ دیگر به هیچ عنوان اقامت او را در آلمان غربی تمدید نمیکند و در نتیجه رؤسای اداره خارجیها در بایرن بدون توجه به زندگی وی و خطری که او را تهدید میکند ، چنانکه بنا به گزارش امنیستی در صورت بازگرداندن وی به ایران زندان ، شکنجه و اعدام او را تهدید میکند ، تصمیم دارند فرشاد را به ایران بازگردانند . استرداد فرشاد به ایران میتواند شروعی برای پس فرستادن دیگر پناهندگان ایرانی در ایالت بایرن و سایر ایالات آلمان به ایران باشد . از این رو تصمیم به بازپس فرستادن فرشاد تصمیمی بر علیه همگی ما و تعرض به جان او ، تعرض به جان یکایک پناه جویان است .

این تصمیم ضد بشری ، زنگ خطری به همگی ماست! این وظیفه همه پناهجویان است که دست به دست هم در مقابل پایمال نمودن حقوق حقه فرشاد (خود) ایستادگی کنند و اعتراض خود را از طریق تماس با سازمانها و شخصیت های مبارز و مدافع حقوق بشر بیان داشته ، با بسیج نیرو و برگزاری آکسیون و متشکل نمودن صفوف خود به دولت آلمان اجازه تعرض به حقوق مسلم خود را ندهند و او را به عقب نشینی وادارند .

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر

ادامه

نامه های رسیده

از صفحه ۲۰
از پیرش و پاسخ بیرون آمد و به درون بحث و گفتگورت و این اوج ورشکستگی باورهای سخنران بود. زیرا اگر هنوز برای پارامی از شنوندگان روشن نشده باشد که اندیشه پردازان نسل پیشین واقعا به دیروز تعلق دارند، دستکم بایستی برای آقای مومنی روشن شده باشد که پارامی از شنوندگان امروزی در پی یافتن سخنرانی برای امروز میکوشند. بهر و کوه توهم های دیروزی موشی برای امروز زایید. هنگامی که در بحث های پیوسته ایسن خواست بیرون میزد که واژگانی بکار رفته از سوی آقای مومنی بایستی روشن و تعریف شود. زیرا شنوندگان بر پایه تجربه ها و دریاهای فتهای فردی خویش نشان دادند که از نگاه دریافت و بکار بست دیالکتیک خیلی پیش تر از سخنران هستند.

خشایار آناهیید

هاتفور - ۸۹/۱۲/۲۹



نامه های دیگری نیز در زمانی که پویش ۳ برای چاپ آماده میشد، به دست ما رسیده که در شماره آینده آنها را ذکر کرده، بدانها پاسخ خواهیم داد.

توجه

ما تا کنون برای عدای از علاقمندان آبونان نشریه پویش، این نشریه را ارسال داده ایم، ولی متاسفانه تا کنون برخی از آنان بهای آبونان خود را برای ما نفرستاده اند. از آنجا که از لحاظ مالی با مشکل لاتی مواجهیم، خواهشمندیم بهای آبونان خود را هر چه سریعتر به شماره حساب بانکی کیه واریز کنید و رسید آنرا به آدرس پستی کیه ارسال دارید.

اقدامات جدید علیه زنان (ترجمه ای از روزنامه TAZ)

تعداد قربانیان مجازات اعدام (زنان) به ۱۰۰ تن میرسد. بعلاوه ۱۰۲ تن از زنانی که در حبس بسر میبرند به مجازات

اعدام تهدید شده اند. در مجموع ۱۰۰۴۸ تن از زنان در زندان نسلی جمهوری اسلامی در حبس بسر میبرند. عده بسیاری از آنان عضو ویا سمپات گروه های اپوزیسیون هستند، اما در عین حال غالب آنها به دلیل (باصطلاح) "فساد" توسط گشتی های خیابانی نیروهای رژیم و یاد رجشهای شبانه توسط خانه گردیهای (غاصر رژیم) بازداشت شده اند.

(زیر سلطه حکومت جمهوری اسلامی) مفهوم "فساد" معانی مختلفی را دربر میگیرد. برای مثال نمایان بودن قسمتی از موی سر از زیر روسری، استفاده از لوازم آرایش، رابطه با یک مرد، شرکت پسران و دختران جوان در یک جشن و همچنین فحشاء (همگی زیر عنوان "فساد" جای میگیرند) برای چنین اعمال نیز - انواع مجازاتها، از شلاق خوردن در حبس تا مجازات اعدام در نظر گرفته شده است. از زمان سرنگونی رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ رژیم تهران همواره علیه زنانی که نمیخواستند مطیع موازین رسمی (این رژیم) باشند، عمل نموده است.

ملاها در نظر دارند که زنان ایرانی یا چادر ویا اگر نه، حداقل یک مانتو (آن هم) در یکی از رنگهای تیره بپوشند (در این حکومت) درجه و شدت فشار

۲۱ ←

متی که در زیر از نظر گرامیتان میگذرد ترجمه ای از گزارش روزنامه TAZ (جمعه ۸ دسامبر ۱۹۸۹) درباره ایران میباشد از آنجایی که نشریه پوش حتی الامکان سعی دارد تا خوانندگان خود را در جریان خبرها و گزارشاتی که در روزنامه ها و نشریات آلمانی درباره ایران درج میشود، قرار دهد. اقدام به ترجمه این گزارش در شماره اخیر کردیم.

قابل ذکر و تاکید است که ترجمه و درج اینگونه گزارشات در نشریه پویش یعنی تایید نقطه نظرات آنها از طرف ما نباشد و صرفا اهمیت آنها از زاویه آگاهی خوانندگان از موضوع بخشی از مطبوعات آلمانی نسبت به مسائل ایران میباشد. اقدامات جدید در جهت عقب راندن زنان ایرانی:

- حدود ۱۰۰ تن از زنان ایرانی تحت عنوان دشمنی با دولت در سال جاری اعدام شده اند. در این توجیه (رژیم با اصطلاح) موضوع "فساد" قرار دارد. تهدید به مجازاتهای بسیار سخت - شدت میگیرد (مبارزه سیاسی داخلی فراکسیونهای رژیم تشدید میشود).

گزارش از: روبرت زیلستر Robert S. برلین (TAZ): "رفتار برخی از زنان - امنیت دولت را بحطرمی اندازد". این سخن از طرف محمد یزدی (رئیس قوه قضائیه ایران) بیان شد. این بیانات نشان میدهد که زنان مجبورند بیشتر از سابق رفتار خود را با قوانین (مورد قبلی) جمهوری اسلامی تطبیق دهند. در اواخر اکتبر تها در طی یک هفته ۱۷ تن از زنان اعدام شدند. در سال جاری

شماره حساب بانکی
Solidaritaetsverein
mit iranischen Voelker
Stadtparkasse Hannover
KTO : 501336
BLZ : 25050180
W - Germany

آدرس تماس :
Post lagerkarte
Nr : 053249 C
3000 Hannover 1
W - Germany